عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

یکشنبه

۲۲ شهریور ۱۴۰۵ • ۱ ربیع الثانی ۱۴۴۸ • 13 September 2026

۸ صفحه • پنج‌هزارتومان • سال پنجم • شماره‌هشتصدونودوسه

www.asrghanoonir

آمریکا به‌دنبال ایجاد اختلاف است

ویژه

حجت‌الاسلام حسین طائب

رئیس سازمان بسیج مستضعفین

حجت‌الاسلام حسین طائب رئیس سازمان بسیج مستضعفین در جمع فرماندهان بسیج تهران گفت: آمریکا به‌دنبال این است که بین جریان‌های داخل کشور اختلاف ایجاد کند و ما با حفظ انسجام نباید اجازه دهیم آنها در این کار موفق شوند.

طائب با تأکید بر لزوم تقویت و نمایش قدرت امنیتی کشور افزود: ملت مبعوث‌شده در جنگ اخیر، ایمان و عمل خود را نشان داد و با حضور در میدان، تاب‌آوری داخلی را افزایش داد.

وی با تأکید بر توجه ویژه به حوزه فرهنگی و اجتماعی ادامه داد: ما با حفظ انسجام و وحدت داخلی باید با موضوعاتی مثل حجاب و سایر موضوعات فرهنگی مواجه شویم و اجازه ندهیم این مسائل انسجام داخلی را به هم بزند.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: ما نباید از روی سستی و ترس با دشمن مذاکره کنیم، ولی اگر دشمن درخواست تسلیم شدن یا مذاکره کرد، باید با قدرت و به‌قصد گرفتن حق خود با او وارد گفت‌وگو شد.

طائب با تأکید بر اینکه «باید عرصه را برای حضور همه مردم با سلایق و رنگ‌های مختلف در بسیج فراهم کنیم.»، گفت: مقابله با تهدید نرم از وظایف بسیج است و ما باید در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطالبه‌گر باشیم.

وی با اشاره به رزمایش بزرگ مردمی ۳۱۳ هزار نفری در تهران در ۲۷ شهریورماه جاری گفت: رزمایش میلیونی مردم جانفدا در کشور و تهران نشان‌دهنده ایستادگی و اقتدار مردم در برابر تهدیدات دشمن است و امنیت و تاب‌آوری مردم را افزایش خواهد داد.

طائب گفت: اسرائیلی‌ها منتظر فروپاشی خود در ۸۰ سالگی تأسیس این رژیم هستند و ان‌شاءالله زودتر از زمانی که رهبر شهید انقلاب فرمودند، از بین خواهد رفت.

واشین تنگ!

رسانه قطری: ترامپ نه تنها بر هرمز مسلط نیست بلکه تنگه باب المندب هم به دست متحدان ایران افتاده است

آسوشیتدپرس:

آمریکا پیروز نخواهد شد

۴

سردار سرلشکر پاسدار احمد وحیدی:

ارتش اسرائیل بدون آمریکا در زمانی کوتاه فرو می‌پاشد

۲

سپرده قانونی تفکیکی

راهی برای مهار بانک‌های ناتراز

۵

مبلغ کالابرگ افزایش می‌یابد

دولت بر قیمت‌ها نظارت کند

۲

هرمز زیر چتر اقتدار ایران است

عربستان وژاپن پاسخگو می‌شوند

۲

ارتش اسرائیل بدون آمریکا فرو می‌پاشد

سردار سرلشکر پاسدار احمد وحیدی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نشست مشترک با امیر سرلشکر امیر حاتمی برای بررسی آخرین وضعیت میادین نبرد، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای جنگ اخیر به خصوص شهدای ارتش مقتدر به ویژه امیر سپهبد شهید سید عبدالرحیم موسوی و امیر سرلشکر شهید عزیز نصیر زاده با اشاره به دستاوردهای جنگ تحمیلی اخیر بیان کرد: وحدت و انسجام ملی برترین دستاورد جنگ نظامی و تهدیدات اخیر دشمن بوده است. در بخش نظامی به مانند سایر بخش ها شاهد وحدت بینظیر کلیه نیروهای نظامی و انتظامی و هم افزایی اطلاعاتی و عملیاتی بی‌سابقه هستیم که از عوامل مهم پیروزی به حساب می‌آید. فرمانده کل سپاه پاسداران در ادامه در خصوص حماسه ارتش در دو جنگ تحمیلی اخیر بیان داشت: روحیه سلحشوری و وطن دوستی فرماندهان و نیروهای ارتش در این دو جنگ، صفحات درخشانی از مردانگی و ایثار را در تاریخ ایران ثبت کرد. ارتش انقلابی در جنگ با ابتکارات عملیاتی، انقلابی عمل کرد. ارتش و سپاه به عنوان دو قدرت بزرگ ضدآمریکایی، پوزه قدرت‌های تروریستی را به خاک مالیدند.سرلشکر وحیدی با تجلیل از رشادت رزمندگان ارتش در ادامه افزود: آمریکایی ها به سد مستحکم ایمان و غیرت ایرانیان برخورد کرده اند و استیصال و درماندگی در رفتار و تصمیمات کاخ سفید موج می زند. ترامپ برای دستاوردسازی به دروغ و فریبکاری متوسل شده است. دستگاههای اطلاعاتی و نظامی آمریکا و صهیونیست ها، مقامات سیاسی آمریکا را نسبت به چالش های نظامی ایران و تاب آوری ایران فریب دادند و امروز هم مقامات سیاسی آمریکایی برای سرپوش گذاشتن بر شکست ها در حال فریب مردم آمریکا هستند.فرمانده کل سپاه با بیان اینکه توان نظامی ارتش جمهوری اسلامی ایران فراتر از تصور دشمن است، در این جنگ آنها برآوردهای غلط خود از توان ارتش ما را به عینه مشاهده کردند و واقعیت‌های نظامی ایران در میدان رونمایی می‌شوند، تاکید کرد: ارتش صهیونیستی بدون پشتیبانی آمریکایی ها در زمانی بسیار کوتاه فرو می پاشد. سرلشکر حاتمی: وحدت ارتش و سپاه چون سپر آهنینی از کشور در برابر توطئه‌ها محافظت می کنددر این نشست امیر سرلشکر امیر حاتمی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: سپاه پاسداران در طول بیش از ۴ دهه همواره یکی از ستون‌های اصلی قدرت ملی، امنیت و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران بوده و امروز نیز با اتکا به ایمان، تجربه و توانمندی‌های راهبردی خود مقتدرانه در خط مقدم دفاع از استقلال و امنیت کشور ایستاده است.فرمانده کل ارتش بیان کرد: دشمنی مستمر جبهه استکبار با سپاه، خود گواه روشنی بر نقش تعیین کننده این نهاد در حفظ اقتدار و امنیت ملی است؛ دشمنان به خوبی می‌دانند که سپاه، نماد اراده و قدرت دفاعی ملت ایران و یکی از مهمترین موانع تحقق اهداف آنان است.امیر حاتمی با گرامیداشت یاد شهدای اقتدار ایران بیان کرد: سپاه امروز، میراثدار خون فرماندهان و رزمندگان بزرگی است که در راه دفاع از ایران و انقلاب اسلامی جان خود را فدا کرده‌اند؛ از سردار شهید سپهبد حسین سلامی و سردار شهید سپهبد محمد پاکپور تا سردار شهید سرلشکر امیرعلی حاجی زاده و دیگر فرماندهان و پاسداران شهید که نام و مجاهدتشان در تاریخ دفاع از کشور ماندگار و پرافتخار و سربلند خواهد بود.فرمانده کل ارتش ادامه داد: سپاه پاسداران در تعامل و هم‌افزایی با ارتش جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر سرمایه انسانی مومن و فداکار خود همچنان سدی محکم در برابر هرگونه تهدید و تعرض است

مبلغ کالابرگ افزایش می‌یابد؛ دولت بر قیمت‌ها نظارت کند

عضو هیئت‌رئیسه مجلس، با تأکید بر ضرورت حمایت معیشتی از مردم گفت: افزایش مبلغ کالابرگ برای چند دهک در دستورکار است و دولت باید با تقویت نظارت، از افزایش بی‌ضابطه قیمت‌ها جلوگیری کند.

محمد رشیدی، با تأکید بر ضرورت حمایت معیشتی از مردم، به‌ویژه اقشار ضعیف جامعه، اظهار کرد: در این خصوص دو موضوع وجود دارد؛ نخست، بحث افزایش مبلغ کالابرگ است. مجلس جلسه نظارتی بسیار خوبی در این زمینه برگزار کرد و تصمیم‌گیری‌ها در این خصوص به‌زودی انجام خواهد شد.

وی افزود: این افزایش رقم کالابرگ قرار نیست برای همه دهک‌ها باشد، اما برای چند دهک حتماً افزایش مبلغ کالابرگ در آینده دنبال خواهد شد تا اجرایی شود.

تأکید مجلس بر کنترل قیمت‌ها و نظارت بر بازار

عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی بیان کرد: دومین موضوعی که باید پیگیری شود، بحث نظارت بر بازار است. ما از دولت خواسته‌ایم و مجلس در جلسه نظارتی که به زودی برگزار خواهد کرد، حتماً موضوع کنترل قیمت‌ها و نظارت بر بازار را دنبال خواهد کرد.

رشیدی ادامه داد: مردم خریدهای روزانه خود را از بازار با قیمت‌های مختلف انجام می‌دهند و علت این وضعیت، نبود نظارت کافی است. دولت باید نظارت داشته باشد و ما نیز حتماً نسبت به این موضوع حساس هستیم و آن را پیگیری خواهیم کرد. دولت نظارت کافی بر بازار ندارد.

وی تصریح کرد: مردم باید امروز، دست‌کم در این شرایط سخت و با توجه به تورم موجود و فشارهای معیشتی، عدالت را در سطح جامعه ببینند و نظارت را احساس کنند، به‌گونه‌ای که بدانند کالایی را که خریداری می‌کنند، با قیمت واقعی عرضه می‌شود و چند برابر قیمت واقعی نیست.

بخشی از افزایش قیمت‌ها ناشی از ضعف نظارت است

نماینده مردم کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی درباره عوامل افزایش قیمت‌ها، گفت: بخشی از افزایش قیمت‌ها تا حدی به تحریم، فشار اقتصادی و شرایط جنگی بازمی‌گردد، اما همه آن ناشی از این مسائل نیست.

رشیدی افزود: بخشی از این موضوع به نبود کنترل و نظارت دقیق بازمی‌گردد. احتکار وجود دارد و دست‌های پشت پرده‌ای نیز هستند که به دنبال ایجاد ناامنی اقتصادی، دچار تشویش کردن مردم و ایجاد تلاطم در بازار هستند.

وی ادامه داد: این موضوع هم در مسئله ارز که از قبل وجود داشته و اکنون نیز وجود دارد، دیده می‌شود و هم در مسائل غیرارزی و کالاهای اساسی که در بازار وجود دارد. همه این موارد نیازمند نظارت جدی و دقیق دولت و دستگاه‌های نظارتی و اطلاعاتی است.

از عملکرد اقتصادی دولت راضی نیستیم

عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی در ادامه درباره عملکرد تیم اقتصادی دولت، گفت: ما الان در میانه جنگ هستیم و تغییر مدیران در شرایط جنگی دشوار است، اما ما از عملکرد اقتصادی دولت به‌طور کلی راضی نیستیم و حتماً باید در این خصوص تغییراتی صورت گیرد.

رشیدی افزود: من به‌صورت مستقیم به این موضوع اشاره نمی‌کنم و اگر لازم باشد، در آینده خواهم گفت، اما در حوزه اقتصادی، آن چابکی و توانمندی، نظارت دقیق و پیگیری‌هایی را که مجلس مدنظر دارد و مردم امروز به آن نیاز دارند، نداریم.

دولت باید در سطح وزیران و مدیران اقتصادی تغییر ایجاد کند

وی تأکید کرد: نیازمندیم که دولت خودش در این زمینه ورود کند و تغییراتی در سطح وزیران و برخی از مدیران انجام دهد.

نماینده مردم کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: اگر این اتفاق نیفتد و خود دولت دست به تغییر نزند، در صورتی که شرایط مقداری بهتر شود- شرایط جنگی پایان یابد-، حتماً مجلس ورود خواهد کرد و استیضاح را به جریان خواهد انداخت.

هرمز زیر چتر اقتدار ایران است

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری با اشاره به آخرین تحولات سیاست خارجی کشور، مهم‌ترین محورهای مواضع تهران را تشریح کرد.

هرمز در کنترل کامل ایران

بقائی درباره وضعیت تنگه هرمز گفت: تنگه هرمز در اقتدار کامل نیروهای مسلح ایران است. این تنگه پیش از ۹ اسفند به‌طور کامل باز بود و ایران در شرایطی قرار گرفت که باید در جهت صیانت از امنیت ملی اقداماتی انجام می‌داد. در این شرایط ما مجاز هستیم تدابیری برای حفاظت از امنیت کشور اتخاذ کنیم.

وی افزود: پس از تفاهم اسلام‌آباد، تنگه کمی امن‌تر شد و ما به تعهدات خود عمل کردیم، اما آمریکا بعد از ۲۳ روز نقض عهد کرد و بهانه‌های آنان مبنا نداشت. ناامنی در تنگه هرمز نتیجه اقدامات آمریکاست و اگر جامعه جهانی نگران افزایش قیمت سوخت است، باید آمریکا را شماتت کند.

پاسخگویی به عربستان و ژاپن

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره قطعنامه شورای حکام علیه ایران گفت: این قطعنامه نشان‌دهنده سردرگمی بانیان آن است. آنان قبلاً معتقد بودند که اسنپ‌بک شده و قطعنامه‌ها بازگشته است، اما ایران، چین و روسیه معتقد به این نبودند. کشورهای اروپایی تحت فشار آمریکا اسنپ‌بک کردند، اما اینکه بعد از یک سال می‌خواهند قطعنامه جدید تصویب کنند، نشان می‌دهد آن اقدام یک سال گذشته بی‌اثر بوده است.وی افزود: آنان فکر نکردند ایران چگونه باید دسترسی به سایت‌های حمله‌شده بدهد وقتی به ما حمله شده است؟ الگوی رفتاری رأی‌دهندگان، تبعیت محض از سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس است و خیلی ناراحت هستند که از اوامر آنان تبعیت کنند.بقائی تأکید کرد: رأی مثبت عربستان و ژاپن هیچ توجیهی ندارد. این کشورها در تبعات این تصمیم مقصر هستند و ما آنان را پاسخگو می‌کنیم.

دیپلماسی در سایه جنگ

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره عرصه دیپلماسی کشور در جنگ گفت: دیپلماسی جدا از میدان نیست. به همان اندازه که میدان در دفاع از کشور فعال است، وزارت خارجه نیز فعالیت خود را چند برابر کرده است. بروز و ظهور این موضوع را می‌توان در دیدارها، رایزنی‌ها و گفت‌وگوها مشاهده کرد. در این شش ماه، دستگاه دیپلماسی یکی از پرکارترین دوره‌های خود را سپری کرد.

وی افزود: باید از شکل‌گیری اجماع ناحق علیه دفاع مشروع خود جلوگیری می‌کردیم. تا حدود زیادی در این مسیر موفق بودیم و دنیا پیام ما را شنید. هم‌اکنون اجلاس بریکس در جریان است و ایران حضور فعال دارد.بقائی گفت: دولت اهمیت دیپلماسی را درک می‌کند. شرکت در این اجلاس‌ها ساده نیست، اما تصمیم گرفته شد در بالاترین سطح در این اجلاس‌ها شرکت کنیم. کشورهای عضو این پیمان‌ها، کشورهایی وزین هستند. چین، روسیه و هند حضور دارند و تلاش داریم ظرفیت‌ها را به خوبی بشناسیم و از آن‌ها بهره بگیریم.وی درباره جایگاه ایران در عرصه جهانی گفت: ایران اکنون زخمی اما سربلند است. در دوران معاصر هیچ‌گاه ایران این‌قدر مقتدر نبوده است و این اقتدار مرهون ایستادگی مردم ایران است. دشمنان بنا داشتند ظرف چند روز کشور را فرو بپاشند، اما ایرانی‌ها نشان دادند وقتی پای وطن در میان باشد، همچون ید واحده زیر پرچم می‌ایستند. ما انسان‌های فوق‌العاده بزرگی را از دست دادیم، ولی ایران ماند.سخنگوی وزارت خارجه افزود: دشمن اکنون مستأصل است. اول به این خاطر که شما انگیزه دفاع دارید و برای راه حق می‌جنگید. آنچه روشن است این است که وقتی شما در جنگ هدفی نداشته باشید، حتماً خیلی زود دچار فرسایش می‌شوید. فرسایشی که در نیروهای متجاوز آمریکایی می‌بینید، نتیجه چنین تجربه‌ای است. آنان نمی‌توانند این تجاوزات را توجیه کنند. یک دروغ را به عنوان بمب هسته‌ای ناموجود مدام تکرار می‌کنند و دنیا اکنون بیش از هر زمان متوجه این دروغ بزرگ شده است.

وی تصریح کرد: ما باید همواره حواس‌مان باشد که بزرگ‌ترین دارایی ما مردم‌مان است. ما به تنها چیزی که نیاز داریم، متحدی است که همواره در همه برهه‌های تاریخ حافظ ایران بوده و آن مردم ایران هستند.

دوگانه‌سازی دشمن

بقائی با اشاره به دوگانه‌سازی دشمن مبنی بر اینکه با مردم مشکلی ندارد، اظهار داشت: دشمنان هدفشان این بود که پوست ایران را بکنند، اما خودشان را رسوا کردند. وقتی می‌گویند تمدن ایران را هدف قرار می‌دهیم، همه ایرانی‌ها چه در داخل و چه در خارج در یک چیز مشترک هستند و آن حب وطن و عشق به ایران است. همین عشق به ایران باعث می‌شود بر دشمن فائق آییم. وضعیت جنگ و محاصره دریاییوی درباره وضعیت کنونی گفت: ما اکنون در وضعیت جنگ هستیم. مادامی که تحریم، محاصره دریایی و فشار وجود دارد، این به منزله جنگ است. طبق قطعنامه‌های منشور ملل متحد، محاصره دریایی همان جنگ تجاوزکارانه است. دشمن برای صلح به جنگ ما نیامد و از هیچ شرارتی فروگذاری نکرد. طبق آیات قرآن، زمانی که دشمن حمله کرد نباید به دشمن پشت کنید که اگر کنید دچار غضب می‌شوید. ما موظفیم در مقابل زیاده‌خواهی دشمن بایستیم.وی افزود: کسی نمی‌تواند ایران را متهم کند که از دیپلماسی برای دفع اشرار استفاده نکرده است، اما دیپلماسی یعنی دو طرف شرایط را درک کنند و نمی‌توان پشت میز مذاکره نشست وقتی دشمن آمادگی ندارد. شما با قدرت باید کاری کنید تا دشمن بفهمد نمی‌تواند با زور امتیاز بگیرد.

وقتی دیپلماسی شوک‌گیر بازار نفت می‌شود

سؤال ساده است و آن اینکه چرا درست وقتی فشار قیمت نفت بر آمریکا بالا می‌رود خبرهای دیپلماتیک ایران هم از راه می‌رسد؟ هیچ‌کس مخالف دیپلماسی نیست، مذاکره، میانجیگری، گفت‌وگو با همسایگان و استفاده از ظرفیت کشورهای منطقه بخشی از ابزارهای طبیعی سیاست خارجی هر کشور عاقل و مقتدر به شمار می‌رود. حتی در سخت‌ترین شرایط جنگی نیز دیپلماسی باید فعال باشد اما دیپلماسی فقط مذاکره کردن نیست، بلکه زمان‌شناسی، تشخیص زمین بازی، شناخت منافع طرف مقابل و از همه مهمتر تبدیل قدرت به امتیاز اجزای جدایی‌ناپذیر دیپلماسی موفق محسوب می‌شوند.

اینجاست که عملکرد اخیر وزارت امور خارجه به ویژه عباس عراقچی نیازمند یک پرسش جدی است، پرسشی که نه از سر مخالفت با دیپلماسی بلکه از منظر دفاع از منافع ملی مطرح می‌شود، آیا در سیاست خارجی ایران زمان اعلام تحولات دیپلماتیک هم به اندازه اصل مذاکرات اهمیت دارد؟ این پرسش امروز بیش از هر زمان دیگری جدی است.

در روزهای گذشته قیمت نفت در پی تشدید بحران منطقه‌ای و اختلال در مسیرهای انتقال انرژی از مرز ۱۰۰ دلار عبور کرد. رویترز گزارش داد نفت برنت برای نخستین بار از ماه ژوئیه از ۱۰۰ دلار عبور کرده و افزایش تنش‌ها در خلیج فارس و تنگه هرمز مهم‌ترین عامل رشد قیمت بوده است. همزمان بازار آمریکا نیز تحت فشار سنگین افزایش قیمت انرژی قرار دارد. قیمت بنزین آمریکا به بالاترین سطوح ماه‌های اخیر رسیده و قیمت گازوئیل از ۶ دلار در هر گالن عبور کرده است مسئله‌ای که مستقیماً بر هزینه حمل‌ونقل، کالاهای مصرفی و زندگی روزمره آمریکایی‌ها اثر می‌گذارد.

از آن مهم‌تر این اتفاق در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا رخ داده است، انتخاباتی که در سوم نوامبر برگزار می‌شود و اکثریت شکننده جمهوری‌خواهان در کنگره را در معرض آزمونی جدی قرار داده است و جنگ و تبعات اقتصادی آن از جمله افزایش هزینه انرژی می‌تواند برای ترامپ و جمهوری‌خواهان هزینه سیاسی ایجاد کند. در چنین شرایطی چه چیزی برای واشنگتن ارزشمندتر از یک خبر آرام‌کننده برای بازار نفت است؟ خبر مذاکره و دقیقاً همین جاست که باید درباره عملکرد دستگاه دیپلماسی ایران سؤال کرد.

روز جمعه خبر رسید وزیران خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار است دوشنبه در عمان با عباس عراقچی دیدار کنند تا درباره سازوکار تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز گفت‌وگو شود. سخنگوی وزارت امور خارجه نیز این نشست را تأیید کرد و گفت ایران، عراق و کشورهای ساحلی خلیج فارس در این نشست درباره مسائل منطقه‌ای و نتایج مذاکرات ایران و عمان درباره تعیین مسیرهای امن برای دریانوردی تجاری در تنگه هرمز گفت‌وگو خواهند کرد اما واکنش بازار چه بود؟ قیمت نفت در همان روز حدود چهار دلار کاهش یافت، برنت نزدیک به ۳.۸۵ دلار افت کرد و نفت آمریکا نیز بیش از سه دلار کاهش یافت. گزارش‌های بازار نیز صراحتاً این کاهش را به انتشار اخبار مربوط به تلاش‌های دیپلماتیک و نشست ایران و کشورهای عرب خلیج فارس مرتبط دانستند.

اینجا یک سؤال کاملاً منطقی مطرح می‌شود، چرا باید خبر یک توافق یا حتی احتمال یک توافق درست در زمانی که نفت به بالای ۱۰۰ دلار رسیده در میانه معاملات جهانی منتشر شود؟ اگر قرار است نشست روز دوشنبه برگزار شود، اگر مذاکرات ایران و عمان از هفته‌ها قبل در جریان بوده و حتی وزیر خارجه در مردادماه گفته بود تهران و مسقط به توافق درباره سازوکار تردد در تنگه هرمز نزدیک شده‌اند، چرا اعلام رسمی این موضوع باید دقیقاً در روزی صورت گیرد که بازار جهانی نفت به‌شدت تحت فشار قرار دارد؟آیا نمی‌شد بخشی از این خبرها پس از پایان معاملات هفتگی منتشر شود؟ آیا نمی‌شد اجازه داد بازار ابتدا واقعیت جدید ژئوپلیتیکی را قیمت‌گذاری کند و سپس جزئیات دیپلماتیک اعلام شود؟ این‌ها پرسش‌های ساده‌ای هستند اما پاسخ آنها می‌تواند تفاوت میان دیپلماسی هوشمند و دیپلماسی واکنشی را مشخص کند.

مشکل مذاکره با همسایگان نیست، بلکه زمان اعلام است شاید گفته شود این نگاه دیپلماسی را قربانی بازار نفت می‌کند اتفاقاً مسئله برعکس است. وزارت خارجه باید بازار نفت را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهرم‌های قدرت ایران در محاسبات دیپلماتیک جدی بگیرد. وقتی یک کشور در موقعیتی قرار گرفته که با تحولات امنیتی تنگه هرمز می‌تواند نفت را به بالای ۱۰۰ دلار برساند، این فقط یک قیمت نیست یک اهرم ژئوپلیتیکی است.وقتی ایالات متحده با بحران قیمت بنزین و گازوئیل مواجه است، وقتی رسانه‌های آمریکایی از فشار اقتصادی جنگ بر دولت ترامپ می‌نویسند، وقتی خود ترامپ از کاهش قیمت انرژی پس از انتخابات سخن می‌گوید معلوم است که قیمت نفت دیگر یک متغیر صرفاً اقتصادی نیست، بلکه بخشی از معادله سیاسی واشنگتن است و در چنین شرایطی ایران باید از این اهرم برای گرفتن امتیاز استفاده کند نه اینکه صرفاً با یک خبر دیپلماتیک آن را خنثی کند. قدرت چانه‌زنی زمانی معنا دارد که بتوانید آن را به امتیاز تبدیل کنید اگر افزایش قیمت نفت برای آمریکا هزینه ایجاد کرده است پرسش این نیست که چرا باید از مذاکره استفاده کنیم، پرسش این است که چرا باید پیش از گرفتن امتیاز سیگنال کاهش تنش بدهیم؟عراقچی در مردادماه اعلام کرده بود مذاکرات ایران و عمان درباره سازوکار حقوقی و مدیریت تنگه هرمز در حال انجام است و دو طرف خیلی به توافق نزدیک هستند اما باز شدن تنگه را به جبران نقض تفاهم‌نامه اسلام‌آباد از سوی آمریکا منوط کرده بود. پس اگر موضع ایران این بوده که بازگشت شرایط به وضعیت عادی مشروط به اقدام طرف مقابل است، چرا باید پیش از تحقق آن شروط بازار جهانی را از احتمال گشایش و توافق مطمئن کنیم؟ این همان نقطه‌ای است که تاکتیک مذاکره از هدف مذاکره جدا می‌شود اگر قرار است آمریکا امتیاز بدهد چرا باید پیش از دریافت امتیاز از سوی ایران سیگنال کاهش ریسک عرضه نفت صادر شود؟ اگر قرار است تنگه هرمز با شروط ایران به وضعیت عادی بازگردد چرا باید بازار جهانی قبل از عملی شدن شروط از این احتمال منتفع شود؟ و

اگر اساسا هدف کاهش تنش و حل مسئله است چرا وزارت خارجه نباید از خود بپرسد که چه زمانی باید خبر را اعلام کرد تا بیشترین منفعت نصیب ایران شود؟ خطر بزرگ‌تر اینجاست اگر این روند تکرار شود ممکن است به‌تدریج این تصور شکل بگیرد که هرگاه قیمت نفت بالا می‌رود و فشار اقتصادی بر آمریکا افزایش پیدا می‌کند، یک خبر از مذاکره، میانجیگری، توافق موقت، نشست منطقه‌ای یا گشایش منتشر می‌شود و بازار نفت آرام می‌گیرد این تصور حتی اگر واقعیت پشت آن نباشد برای منافع ملی خطرناک است.چرا؟ چون در آن صورت دیپلماسی ایران از یک ابزار برای گرفتن امتیاز به ابزاری برای کاهش ریسک طرف مقابل تبدیل می‌شود و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که باید مراقب بود. ایران نباید تبدیل به کشوری شود که هزینه ایجاد قدرت را در میدان می‌پردازد و دیگری از ثمره آن در بازار جهانی استفاده می‌کند. اگر نیروهای نظامی ایران توانسته‌اند هزینه سنگینی به آمریکا تحمیل کنند، اگر تنگه هرمز به یکی از مهم‌ترین نقاط فشار بر اقتصاد غرب تبدیل شده و اگر بحران انرژی آمریکا به مسئله‌ای سیاسی در آستانه انتخابات تبدیل شده است دستگاه دیپلماسی باید بتواند این قدرت را به امتیاز سیاسی، اقتصادی و امنیتی تبدیل کند.مسئله مخالفت با مذاکره نیست مسئله این است که چرا باید هر بار خبر دیپلماسی پیش از آنکه برای ایران دستاوردی بسازد برای بازار جهانی نفت و در نهایت برای آمریکا آرامش ایجاد کند؟ وقتی یک خبر مذاکره می‌تواند در واکنش بازار چند دلار از قیمت نفت کم کند این خبر قطعاً دارای ارزش اقتصادی است، بنابراین سؤال روشن است، سهم ایران از این ارزش چیست؟ آیا تحریمی برداشته شده، تضمینی گرفته شده، دارایی‌ای آزاد شده، صادرات نفتی افزایش یافته یا امتیاز امنیتی مشخصی به دست آمده است؟ اگر پاسخ روشنی وجود ندارد، انتقاد از زمان‌بندی و نحوه اعلام این مذاکرات نه ضد دیپلماسی، بلکه دفاع از یک دیپلماسی مقتدر و حساب‌شده است. توافق باید پیش از خبررسانی تا حد ممکن نهایی شود، امتیاز باید پیش از دادن سیگنال کاهش تنش گرفته شود و بازار نباید زودتر از ایران از دستاورد احتمالی دیپلماسی ایران منتفع شود.

پارادوکس رفاه و رضایت؛ چرا مدرنیته ما را شادتر نکرد؟

■ در چند دهه گذشته، چهره شهرها و زندگی روزمره ما به‌طور محسوسی تغییر کرده است. اتوبان‌ها گسترده‌تر شده‌اند، سدها و نیروگاه‌ها ساخته شده‌اند، دسترسی به اینترنت و فناوری‌های ارتباطی افزایش یافته و بسیاری از کالاها و خدماتی که زمانی لوکس یا دور از دسترس به نظر می‌رسیدند، امروز بخشی از زندگی عادی شهروندان هستند. از منظر «رفاه مادی»، جامعه در بسیاری از حوزه‌ها مسیری رو به جلو را تجربه کرده است. اما در کنار این تغییرات، پرسشی مهم همچنان پابرجاست: چرا افزایش امکانات لزوما به افزایش رضایت از زندگی منجر نمی‌شود؟

پاسخ را شاید باید در تفاوت میان «نوسازی(مدرنیته)» و «توسعه» جست‌وجو کرد. نوسازی ابزاری می‌تواند با ساخت کارخانه، جاده، سد، شبکه ارتباطی و خرید یا تولید فناوری محقق شود. اما توسعه، مفهومی گسترده‌تر است و علاوه بر زیرساخت، کیفیت روابط اجتماعی، احساس امنیت، اعتماد، مشارکت، فرصت انتخاب و توانایی افراد برای اثرگذاری بر سرنوشت خود را نیز دربرمی‌گیرد. ممکن است جامعه‌ای از نظر امکانات فیزیکی پیشرفت کند، اما اگر شهروندان احساس کنند ارتباطشان با یکدیگر ضعیف شده یا آینده قابل پیش‌بینی نیست، افزایش رفاه مادی الزاما احساس رضایت را بالا نمی‌برد.

از سوی دیگر، رضایت پدیده‌ای نسبی است. انسان تنها امکانات امروز خود را با گذشته مقایسه نمی‌کند بلکه آن را با انتظارات، امکانات دیگران و تصویری که از آینده دارد نیز می‌سنجد. به همین دلیل، توسعه اقتصادی بدون تحول در کیفیت روابط اجتماعی و بدون افزایش حس اعتماد و تعلق، ممکن است حتی به افزایش فاصله میان «آنچه داریم» و «آنچه فکر می‌کنیم باید داشته باشیم» منجر شود.

بنابراین مساله، مخالفت با اتوبان، فناوری یا زیرساخت نیست بلکه مساله این است که زیرساخت را با توسعه اشتباه نگیریم. جاده می‌تواند فاصله دو شهر را کم کند، اما لزوما فاصله میان انسان‌ها را کاهش نمی‌دهد. فناوری می‌تواند ارتباط را آسان کند، اما به‌تنهایی اعتماد نمی‌سازد. توسعه زمانی معنا پیدا می‌کند که پیشرفت ابزارهای زندگی با ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی و انسانی همراه شود.

از این رو، «محمود امینی»، دکترای روابط بین‌الملل، کارشناس رسانه و محقق حوزه حکمرانی، به واکاوی چند علامت سوال مهم در این رابطه پرداخته است.

مشروح گفتگو را در ادامه مطالعه فرمایید.

اجازه بدهید گفت‌وگو را با یک پرسش ساده شروع کنیم. چرا با وجود گسترش امکانات و زیرساخت‌ها، الزاما احساس نمی‌کنیم زندگی رضایت‌بخش‌تر شده است؟

چون رفاه و رضایت دو مفهوم یکسان نیستند. رفاه تا حد زیادی به امکانات قابل اندازه‌گیری مربوط است مثلا دسترسی به مسکن، حمل‌ونقل، انرژی، آموزش، خدمات درمانی یا فناوری. اما رضایت از زندگی به مجموعه‌ای از عوامل مادی و غیرمادی وابسته است. فرد ممکن است خودروی بهتری داشته باشد، سریع‌تر به مقصد برسد و به اینترنت پرسرعت دسترسی داشته باشد، اما همزمان احساس کند آینده‌اش مبهم است، به دیگران اعتماد کافی ندارد یا فرصت اثرگذاری بر محیط زندگی خود را ندارد. این دو موضوع را نباید با هم اشتباه بگیریم.

پس شما میان «نوسازی» و «توسعه» تفاوت قائل هستید؟

دقیقا. نوسازی را می‌توان تا حد زیادی با تغییر ابزارها مشاهده کرد. ساخت یک اتوبان، راه‌اندازی کارخانه یا توسعه شبکه ارتباطی، نمونه‌های روشن نوسازی هستند. اما توسعه یک فرآیند عمیق‌تر است. اگر ابزارهای مدرن وارد جامعه شوند اما نگرش‌ها، نهادها و روابط اجتماعی متناسب با آنها تحول پیدا نکنند، ممکن است با نوعی «مدرنیزاسیون ناقص» روبه‌رو شویم.

یعنی ممکن است جامعه از نظر تکنولوژیک مدرن شود، اما از نظر اجتماعی نه؟

بله. داشتن گوشی هوشمند یا استفاده از خودروهای پیشرفته، به‌خودی‌خود جامعه مدرن نمی‌سازد. مدرنیته فقط مجموعه‌ای از کالاها نیست بلکه نوعی تغییر در نگرش به فرد، زمان، قانون، مسوولیت، انتخاب و رابطه با دیگری است. وقتی شهروند بتواند برای زندگی خود برنامه‌ریزی کند، به قواعد عمومی اعتماد داشته باشد، تفاوت‌ها را تحمل کند و احساس کند صدایش در جامعه شنیده می‌شود، آنجا با بخشی از معنای توسعه مواجهیم.

در این میان، سرمایه اجتماعی چه نقشی دارد؟

نقش بسیار مهمی دارد. سرمایه اجتماعی را می‌توان تا حدی با اعتماد، همکاری، شبکه‌های ارتباطی و احساس تعلق اجتماعی توضیح داد. جامعه‌ای که افراد در آن به یکدیگر و به قواعد عمومی اعتماد بیشتری دارند، ظرفیت بالاتری برای حل مسائل جمعی دارد. برعکس، اگر هر فرد تصور کند باید فقط به فکر خودش باشد، هزینه زندگی اجتماعی بالا می‌رود. حتی یک مساله ساده مثل رانندگی، پرداخت مالیات یا رعایت قوانین عمومی می‌تواند به نمونه‌ای از همین مساله تبدیل شود. اما آیا کاهش اعتماد و رضایت را می‌توان صرفا به توسعه نامتوازن نسبت داد؟

نه. باید احتیاط کنیم. رضایت عمومی تحت تاثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی روان‌شناختی است. تورم، نااطمینانی نسبت به آینده، تغییرات سبک زندگی، فشارهای شغلی، تحولات خانواده و گسترش مقایسه اجتماعی از طریق شبکه‌های ارتباطی، همگی می‌توانند بر احساس رضایت تاثیر بگذارند. بنابراین نباید دنبال یک علت واحد بگردیم.

نقش شبکه‌های اجتماعی در این میان چیست؟ آیا آنها رضایت را کاهش داده‌اند؟

فناوری دو چهره دارد. از یک طرف ارتباط را آسان‌تر کرده و دسترسی به اطلاعات را افزایش داده است و از طرف دیگر، مقایسه اجتماعی را هم تشدید کرده است. فرد امروز فقط زندگی خودش را نمی‌بیند. دائما با تصویر گزینش‌شده‌ای از زندگی دیگران مواجه است. خانه، سفر، درآمد، موفقیت و سبک زندگی دیگران در صفحه تلفن همراه ظاهر می‌شود. این مقایسه مداوم می‌تواند احساس کمبود ایجاد کند، حتی اگر سطح واقعی رفاه فرد نسبت به گذشته افزایش یافته باشد.

بنابراین افزایش امکانات می‌تواند انتظارات را هم افزایش دهد؟

دقیقاً چنین است. یکی از پارادوکس‌های توسعه همین است. وقتی امکانات بیشتر می‌شود، افق انتظارات هم گسترش پیدا می‌کند. فردی که دیروز یک موضوع و امکانات را نمی‌شناخت، امروز آن را حق طبیعی خود می‌داند. این اتفاق لزوما منفی نیست. افزایش انتظار می‌تواند موتور پیشرفت باشد. اما اگر میان انتظارات و امکان تحقق آنها فاصله زیادی ایجاد شود، نارضایتی شکل می‌گیرد.

پس آیا می‌توان گفت مشکل ما «زیادی زیرساخت» و «کمبودهای انسان» است؟

این تعبیر شاید کمی اغراق‌آمیز باشد. زیرساخت اتفاقا ضروری است و بدون آن توسعه امکان‌پذیر نیست. مساله این است که زیرساخت را نقطه پایان توسعه تصور نکنیم. ساخت جاده، مدرسه و بیمارستان لازم است، اما کافی نیست. باید ببینیم این امکانات چگونه در زندگی مردم اثر می‌گذارند و آیا به افزایش فرصت، امنیت، اعتماد و کیفیت روابط اجتماعی منجر می‌شوند یا خیر.

اگر بخواهیم از این وضعیت عبور کنیم، اولویت چیست؟

باید تعریف توسعه را گسترده‌تر کنیم. در کنار شاخص‌های اقتصادی و فیزیکی، شاخص‌هایی مانند اعتماد اجتماعی، کیفیت حکمرانی، رضایت از زندگی، احساس امنیت، مشارکت مدنی و کیفیت محیط زیست هم اهمیت دارند. همچنین باید به شهروندان امکان داد در مسائل محلی و عمومی نقش فعال‌تری داشته باشند. انسان زمانی از جامعه خود احساس رضایت بیشتری می‌کند که فقط مصرف‌کننده خدمات نباشد، بلکه خود را بخشی از فرایند ساختن جامعه بداند.

یعنی اتوبان و مسائل شبیه به آن همچنان مهم هستند، اما کافی نیستند؟

دقیقاً. اتوبان زمان سفر را کاهش می‌دهد. توسعه خوب باید کیفیت زندگی را افزایش دهد. سد می‌تواند آب و برق فراهم کند. توسعه باید به انسان امکان دهد آینده خود را با اطمینان بیشتری بسازد. فناوری می‌تواند ارتباط را سریع کند. جامعه توسعه‌یافته باید کاری کند که این ارتباط به اعتماد و همکاری هم تبدیل شود.

پس شاید پرسش اصلی این نباشد که «چقدر ساخته‌ایم»، بلکه این باشد که «چقدر زندگی بهتر شده است»؟

همین‌طور است. توسعه را نباید فقط از ارتفاع پل‌ها، طول بزرگراه‌ها یا تعداد کارخانه‌ها اندازه گرفت. پرسش نهایی این است که این دستاوردها چه تغییری در تجربه روزمره انسان ایجاد کرده‌اند. اگر شهروند امکانات بیشتری دارد اما احساس تنهایی، بی‌اعتمادی یا بی‌ثباتی می‌کند، باید در تعریف موفقیت تجدیدنظر کنیم. توسعه واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که پیشرفت بیرونی با احساس بهبود درونی و اجتماعی همراه شود.

آیا ایرانی‌ها ملتی «تاب‌آور» هستند؟ پاسخ تاریخ

■ همه ما در زندگی شرایط سخت، تنش‌های مالی و روحی، از دست رفتن عزیزان و شکست‌های عاطفی و جدایی‌ها را تجربه می‌کنیم. زندگی در کنار همه شادی‌ها و شادکامی‌ها نقاط تیره و تاریکی هم دارد که مواجهه با آن برای هر انسانی اجتناب‌ناپذیر است. هر کس در طول حیات خود بارها شرایطی را درک و تجربه می‌کند که غم، ناراحتی، نگرانی، ترس و... او را احاطه می‌کند و درد و رنج عمیقی را متحمل می‌شود؛ اما همه در مواجهه با این اتفاقات مشابه یک صورت رفتار نمی‌کنند. در حقیقت هر انسانی در برابر اتفاقات دردناک رفتار متفاوتی از خود بروز می‌دهد که از آن با عنوان «تاب‌آوری» یاد می‌شود.

تاب آوری یعنی چه؟

تاب‌آوری توانایی درک درد، پردازش آن و رسیدن به تعادل برای ادامه مسیر است. ویژگی‌ای که ذاتی نیست و انسان از بدو تولد آن را ندارد، بلکه طی فرایندهای پویای زیستی و کسب مهارت‌ها می‌تواند آن را به دست آورده و یا آن را تقویت کند. انسان در هر سنی می‌تواند با تمرین ظرفیت تاب‌آوری خود را افزایش دهد. البته که تاب‌آوری به معنای ضدضربه بودن و یا احساس درد نکردن نیست، بلکه قدرتی است که انسان را در میانه غم و درد به زندگی متصل نگه می‌دارد؛ در کنار لحظات ناراحتی و پراضطراب، توانایی مدیریت رفتار و کنترل احساسات خود را به درستی دارد.

بی‌شک باید این مهم را پذیرفت که شرایط محیطی و پیرامونی از جمله حوادث و اتفاقات جامعه، نوع تربیت و زیست خانوادگی، محیط جغرافیایی و مخاطرات طبیعی، همه و همه می‌توانند بر روی انسان تأثیر بگذارند. اینکه کسی در محیطی زندگی کند که آثار مخرب زیست‌محیطی و بلایای طبیعی کمتری را شاهد باشد و زمین و هوا شرایط خوبی را فراهم کنند که بستری برای زندگی راحت‌تر باشد، بر میزان تحمل افراد اثرگذار است؛ اما تاب‌آوری بیش از اینکه از عوامل بیرونی اثر بگیرد، جنبه‌های درونی مؤثری دارد.

این توانایی مدیریت احساسات می‌تواند در چند مرحله خود را نشان دهد: اینکه فرد قدرت تنظیم هیجانی داشته باشد، بتواند با انعطاف شناختی به جای زاویه نگاهی که بر «همه یا هیچ» تکیه دارد، زوایا و جنبه‌های مختلف را هم ببیند. در کنار دیدن واقعیت، خوش‌بینی هم داشته باشد و با نگاه امیدوارانه به آینده، واقعیت‌های تلخ را هم بپذیرد. در کنار این، با معناسازیِ درس‌ها و رنج‌ها، راه را برای ادامه مسیر هموار کند. فرانکل، روان‌شناسی که از اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها زنده بیرون آمد، معتقد بود: «کسی که چرایی برای زندگی دارد، با تقریباً هر چگونگی خواهد ساخت.» از نظر او، بالاترین سطح تاب‌آوری زمانی رخ می‌دهد که انسان حتی در رنج‌آورترین شرایط، بتواند برای رنج خود یک «معنا» پیدا کند. مارتین سلیگمن، پدر روان‌شناسی مثبت‌گرا، معتقد است افراد تاب‌آور، رویدادهای منفی را این‌گونه تفسیر می‌کنند: موقتی، به این معنا که این بدبختی همیشگی نیست؛ موقعیتی، از این جهت که فقط در این بخش از زندگی‌ام است، نه همه‌جا؛ و خارج از کنترل کامل، به این معنا که عوامل بیرونی هم دخیل بودند، نه فقط تقصیر من.

تاریخ ایرانیان پر از تاب آوریست

تاریخ ایران‌زمین نشان داده است که ایرانیان بارها در پس حوادث و اتفاقات سهمگین، چگونه همچون ققنوس افسانه‌ای از میان خاکسترها برخاستند و دوباره تولدی دیگر را رقم زدند، تولدی که با حیات فرهنگ و هنر و شعر و ادبیات، همراه بود و تاریخی پرشکوه را رقم زد و نه تنها باعث افول نشد، بلکه ایرانیان از خاکسترها قله‌های افتخار ساخته شد.

ایران در طول تاریخ چندین بار توسط امپراتوری‌های بزرگ (اسکندر مقدونی، اعراب، مغول‌ها و...) تصرف و ویران شد. در حالی که کشورهایی مانند مصر یا شام (سوریه و لبنان) پس از حمله اعراب، زبان و هویت اصلی خود را کاملا از دست دادند و «عربی» شدند، ایرانیان با هوشمندی فرهنگی، زبان فارسی را حفظ کردند. حتی مغول‌ها که شهرها را با خاک یکسان کردند، در نهایت توسط فرهنگ، دیوان‌سالاری و هنر ایرانی «جذب» شدند، دوران ایلخانیان و تیموریان اوج هنر و معماری ایرانی-اسلامی است.

ایران روی کمربند زلزله قرار دارد. تاریخ پر از زلزله‌های ویرانگر مثل زلزله بم، رودبار، سرپل ذهاب و ورزقان است. در تمام این حوادث، آنچه بیش از کمک‌های دولتی چشم‌گیر بوده، همبستگی خودجوش مردمی است. مردم بلافاصله آوارها را کنار می‌زنند، غذا و سرپناه را به اشتراک می‌گذارند و زندگی را از صفر شروع می‌کنند. این اوج «تاب‌آوری اجتماعی» است.

جنگ‌ها در هر کجای جهان ویرانی و خونریزی را به همراه دارند. ایران‌زمین هم از دیرباز جنگ‌های سهمگین و کشتارهای خونینی را به خود دیده است. حمله مغول‌ها بزرگ‌ترین آنان بود که به سقوط ایران به دست ترکان و جنایت‌های مخوف ختم شد؛ اما از پس همین جنگ و کشتار نیز، حاکمان فرهنگ‌دوستی برخاستند که در برابر فرهنگ و هنر ایرانیان سر تعظیم فرود آوردند و چنان این فرهنگ را پذیرفتند که خود نیز به یکی از مبلغان و مروجان آن تبدیل شدند و جزئی از فرهنگ ایرانی گشتند.

ایرانی ها چگونه تاب آور شدند؟

اما ایرانیان چطور و چگونه با وجود طبیعت متنوع، گوناگونی اقوام و قرار گرفتن در شاهراه جهانی که خود طمع بیگانگان را به دنبال داشت و همین موجب دست‌درازی‌ها و جنگ‌ها می‌شد، باز هم دوام آوردند؟ این تاب‌آوری ایرانیان از کجا آمده است؟

معناسازی از طریق ادبیات و عرفان: ایرانیان در سخت‌ترین شرایط به شعر و ادبیات پناه می‌برند. شاهنامه فردوسی در دوران رکود هویتی نمونه‌ای است که توانست با ایستادگی بر بستر فرهنگ ایران معنابخش باشد. در دوره مشروطه این شاعران بودند که در پس اشعار و نظم کلمات، ضمن مبارزه برای ساختن جامعه‌ای بهتر، تسلی‌بخش مردم در دوره خفقان و بازتاب اندیشه اجتماعی شدند. منظومه‌های عاشقانه و عارفانه هم در دوران سختی به کمک مردم آمدند.

طنز و شوخی با درد: یکی از قوی‌ترین مکانیسم‌های دفاعی در روان‌شناسی، «طنز» است. ایرانیان استاد ساختن جوک و لطیفه از دلِ تیرگی‌ها، گرانی‌ها و ناملایمات هستند. اینکه در سخت‌ترین شرایطِ باز هم قدرت طنز و طنازی بتواند اندکی حال مردم را تغییر بدهد، همان ویژگی منحصر به فرد ایرانیان و درهم‌آمیختگی این فرهنگ با زبان فارسی است که توانسته باعث تخلیه هیجانی، کاهش استرس و ایجاد حس همبستگی شود.

سیاست مدارا و انعطاف‌پذیری: در طول تاریخ، وقتی فشار حاکمان یا مهاجمان زیاد می‌شده، ایرانیان به جای تقابل مستقیم و نابودی کامل، نوعی «سازگاری ظاهری» را انتخاب می‌کردند تا هسته اصلی فرهنگ و خانواده را حفظ کنند و در فرصت مناسب دوباره رشد کنند. شبکه‌های حمایتی غیررسمی: همان‌طور که در متن قبلی درباره هیئت‌ها گفتیم، شبکه‌های مردمی، هیأت‌ها، مساجد، و حتی گروه‌های دوستانه و فامیلی، در زمان بحران به‌سرعت فعال می‌شوند و خلا نهادهای رسمی را پر می‌کنند.

این اغراق نیست که ایرانیان از تاب‌آورترین ملت‌ها هستند؛ اما به گواه تاریخ، ایرانیان در شرایط سخت و دشوار همواره توانسته‌اند خود را با ناملایمات زندگی همراه کنند. از منظر روان‌شناسی، جامعه قادر نیست تا ابد با تاب‌آوری زنده بماند و اگر تغییر شرایط رخ ندهد، تاب‌آوری نیز کارکرد خود را از دست می‌دهد.

ایرانی بودن شایگان را جهانی کرد

سومین نشست از سلسله نشست‌های ایران‌شناخت با موضوع «هویت ایرانی به روایت داریوش شایگان» در محل خانه کتاب سازمان جهاد دانشگاهی تهران و با حضور کارشناسان و پژوهشگران این حوزه برگزار شد. در این نشست تخصصی، کتاب‌های «افسون‌زدگی جدید»، «هویت چهل‌تکه» و «تفکر سیار» از زوایای مختلف فلسفی، فرهنگی و تاریخی مورد واکاوی عمیق قرار گرفت.

تقسیم‌بندی آثار شایگان و پرسش بنیادین نسبت با غرب

سعید صالحیان، دبیر این نشست، با اشاره به قرابت فکری و معنوی زیاد داریوش شایگان با متفکران فرانسوی، آثار او را به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته نخست، کتاب‌هایی است که برخی آن‌ها را غیرانتقادی یا معرفی‌کننده می‌نامند و سبقه فلسفه‌ورزانه دارند؛ مانند کتابی که درباره فلسفه هند نوشته است، یا آثار متأخر او درباره دو چهره ادبی برجسته فرانسوی، مارسل پروست و شارل بودلر، و همچنین کتاب «پنج اقلیم حضور» که حالتی بینابینی دارد و می‌کوشد هم فرهنگ ایرانی را دست به گریبان شود و هم پنج شاعر برجسته ایرانی را معرفی کند.

دسته دوم، کتاب‌های انتقادی شایگان است که با یک مسأله بنیادین و بسیار پیچیده سروکار دارند؛ مسأله‌ای که سابقه آن به یک قرن گذشته و اواخر دوران صفویان بازمی‌گردد و آن درگیری با مسأله غرب و مدرنیته است. صالحیان تأکید کرد که پرسش بنیادین شایگان در این آثار این است که «ما چه نسبتی با غرب و مدرنیته داریم؟».

وی دوره اول فکری شایگان را با آثاری همچون «آسیا در برابر غرب» و «بت‌های ذهنی و خاطره ازلی» مرتبط دانست که پیش از انقلاب نگارش شده‌اند. در این کتاب‌ها، سیر تاریخی تدریجی، مسأله نهیلیسم (با بازگشت به داستایوفسکی و نیچه) و به‌ویژه مسأله زمان و دوگانگی تاریخ انفسی و تاریخ آفاقی (که تأثیر هانری کربن در آن آشکار است) به‌وضوح مشخص است. اما در دوره دوم فکری شایگان، یعنی پس از انقلاب، نگاه او تغییر می‌کند و بیشتر تحت‌تأثیر نقد کلان‌روایت‌ها و تفکر پساساختارگرا قرار می‌گیرد. شایگان در این دوره صراحتاً اعلام می‌کند که هویت منسجمی از فرهنگ سنتی باقی نمانده که بخواهد در برابر غرب مبارزه کند و همه ناگزیر به غربی شدن بوده‌اند. با این حال، نقد او این است که در این فرآیند، روح و معنا از دست رفته است و ما به گفتمان و نگاه معنوی نیاز داریم. از این رو، او در آثار متأخر خود به دو محور افقی (تاریخ آفاقی) و محور عمودی (فراتاریخ و گفت‌وگو در فراتاریخ) اشاره می‌کند.

ایران‌شناسی در منزل سلوک و پیچیدگی‌های هویت ایرانی

مقصود فراستخواه، استاد موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش‌عالی، در ادامه این نشست با طرح این ایده که شایگان تنها بهانه‌ای برای ورود به مسأله ایران‌شناخت است، ایران را سرزمینی متناقض اما زنده توصیف کرد که همواره صداهای متفاوتی از آن برمی‌خیزد. او با استناد به ابیات مولانا («از جهان دو بانگ می‌آید به جد») و شبستری («ببین عالم همه در هم سرشته / ملک در دیو و شیطان در فرشته») به دو صدایی بودن جهان و وجود خیر و شر در فلسفه و ادبیات ایرانی اشاره کرد.

فراستخواه با تأکید بر این‌که جهان را شرارت، پوچی و نیستی در برگرفته است، گفت: در جهانی که سر تا پا درگیری است، با فلسفه سندی ایرانی می‌توان به‌دنبال خیر بود، معناهایی را جست‌وجو کرد، فضیلتی را تجربه کرد و زندگی‌ای را رونق داد. ایران نیز مانند جهان، متناقض است؛ پادشاهانی در آن زیستند که به اندازه تیمور لنگ ایران را آباد نکردند، اما در عین حال ظرفیت‌های عظیمی نیز داشته است.

وی با اشاره به دوران غزنوی و سلطه شمشیر بر قلم، مثال ابوریحان بیرونی را مطرح کرد که در میان چکاچک شمشیرها، کتاب «تحقیق ما للهند» را می‌نویسد و مردم‌شناسی می‌کند. این اندیشه، اندیشه‌ای جهانی است؛ اندیشه فهم از جهان آموختن و خود را در جهان به اشتراک گذاشتن. فراستخواه ایران را «پادشاهی میانه» و تمدنی ترکیبی دانست که همواره با جهان ارتباط و مبادله داشته است. نوروز که از بابل آمده، با خلاقیت ایرانی سنتزی تازه یافته است. خوارزمی نیز با ترکیب ریاضیات هند و یونانی با بدایع ایرانی، خوارزمی شده است. نقش بدایع ترکیبی ایرانی، در هم آمیختن با تجربه‌های جهانی و گفت‌وگو با جهان است.

فراستخواه در توصیف پیشینه شایگان گفت: هویت چهل‌تکه شایگان ناشی از بافت‌مندی تاریخی و اجتماعی اوست؛ مادرش گرجی و سنی، پدربزرگش تاجر آذربایجانی، پرستارش روس، معلمان موسیقی و زبانش ارمنی، پدرش شیعه، پزشکش زرتشتی و راننده‌اش آشوری بوده است. شایگان در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی در مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، مفهوم «موتاسیون در تعاطی فرهنگ‌ها» را مطرح کرد؛ ایده‌ای که در آن تبادل فرهنگی تنها جمع و تفریق نیست، بلکه جهش‌ها و خلاقیت‌های تازه‌ای رخ می‌دهد و بعدها مبنای گفت‌وگوی تمدن‌ها قرار گرفت. او همچنین به طبقه «نوجوای ایران» اشاره کرد که شایگان به آن تعلق داشت؛ طبقه‌ای متوسط رو به بالا که استقلال فکری و اجتماعی داشتند و می‌توانستند در برابر قدرت بایستند و مطالبه قانون، آزادی و سبک زندگی کنند.

روانکاوی فلسفی تمدنی و کانت به‌مثابه واکسن فکری

مالک شجاعی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و علوم انسانی، رویکرد شایگان را نوعی «روانکاوی فلسفی تمدنی» خواند. او با اشاره به ۱۴ تا ۱۵ سنخ رویکرد به ایران‌شناسی در صد سال گذشته، شایگان را در زمره ایران‌شناسی فلسفی قرار داد.

ترامپ: جنگ با ایران بعد از انتخابات آمریکا تمام می شود

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در گفتگو با شبکه فاکس نیوز مدعی شد که جنگ با ایران بعد از انتخابات میان دوره‌ای کنگره آمریکا به پایان خواهد رسید.

وی همچنین از سفر قریب الوقوع شی جین پینگ رئیس جمهور چین به آمریکا خبر داد که قرار است دو هفته دیگر انجام شود. ترامپ مدعی شد که ارتباط بسیار خوبی با رئیس جمهور چین دارند.

وی ادامه داد: مردم می‌گویند او از ما جاسوسی می‌کند، بله، خب ما هم از او جاسوسی می‌کنیم و در این کار خیلی خبره هستیم.

ترامپ گفت که آمریکا قبلاً روابط بسیار بدی با چین داشت، اما هم اکنون روابط دو طرف بسیار خوب است و مناسبات با چین خوب پیش می‌رود.

وی گفت که اگر چین بخواهد کارخانه تولید خودرو در آمریکا راه اندازی کند، وی مشکلی با این کار نخواهد داشت. مهم این است که آنها کارگران آمریکایی را استخدام کنند از نیروی کار آمریکایی‌ها استفاده کنند.

ترامپ ادامه داد: اتفاقی که نمی‌خواهم رخ دهد، این است که آنها در مکزیک خودروی ارزان تولید کنند و آن را از طریق مرز به آمریکا ارسال کنند. این اتفاق هرگز رخ نخواهد داد.

وی با تکرار نامگذاری موهوم خود در مورد خلیج مکزیک گفت که این خلیج دیگر خلیج مکزیک نیست، بلکه خلیج آمریکا است.

ترامپ در گفتگو با فاکس نیوز که از رسانه‌های نزدیک به وی به حساب می رود، با تکرار توهمات پیشین، خود را منجی آمریکا توصیف کرده و مدعی شد که در هر صورت ایرانی‌ها در جنگ شکست می‌خورند.

رئیس جمهور آمریکا مدعی پیروزی بر چین در زمینه هوش مصنوعی شد و گفت که عبارت معروفی وجود دارد که می‌گوید هر کس هوش مصنوعی را برنده شود، پیروز واقعی است. اهمیت هوش مصنوعی به این مقدار است و از اینترنت هم مهمتر است. حتی ممکن است هوش مصنوعی بزرگترین تحول تاریخ باشد.

بیشترین بودجه نظامی خاورمیانه مربوط به کدام کشور است؟

به نقل از عربی ۲۱، بودجه‌های نظامی خاورمیانه در سال ۲۰۲۶، در سایه تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک و شتاب گرفتن برنامه‌های نوسازی نظامی، با افزایش قابل توجهی مواجه است و کشورهای منطقه همچنان به رقابت برای تقویت توانمندی‌های هوایی، زمینی و دریایی خود ادامه می‌دهند.

بر اساس برآوردهای سایت «گلوبال فایر پاور» برای سال ۲۰۲۶، مجموع بودجه‌های دفاعی ده کشور درج شده در فهرست منطقه‌ای آن، از ۲۲۰ میلیارد دلار فراتر می‌رود.

گزارش مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم تاکید دارد که هزینه‌های نظامی جهانی در سال ۲۰۲۵ به ۲.۸۸۷ تریلیون دلار رسید که بالاترین سطح تاریخی خود است و برای یازدهمین سال متوالی شاهد افزایش بوده است. هزینه‌های نظامی در خاورمیانه در همان سال به حدود ۲۱۸ میلیارد دلار رسید که شامل کشورهای عربی و غیرعربی می‌شود.

بر اساس گزارش «گلوبال فایر پاور»، عربستان سعودی با بودجه‌ای حدود ۶۳.۹۹ میلیارد دلار، در صدر فهرست ۱۰ بودجه دفاعی بزرگ خاورمیانه در سال ۲۰۲۶ قرار دارد. ریاض طی سال‌های گذشته از برجسته‌ترین واردکنندگان سلاح در جهان بوده است.

زرادخانه عربستان شامل جنگنده‌های «اف-۱۵ اس‌ای»، بالگردهای «ای‌اچ-۶۴ ای آپاچی»، سامانه‌های پدافند هوایی آمریکایی «پاتریوت» و «تاد» بعلاوه جنگنده‌های «یوروفایتر تایفون» و «تورنادو» انگلیسی و تعدادی خودروی زرهی است.

ترکیه با بودجه دفاعی حدود ۵۱.۴ میلیارد دلار در رتبه دوم بزرگ ترین بودجه های نظامی منطقه قرار دارد. آنکارا از یک پایگاه صنایع دفاعی بومی گسترده برخوردار است که به آن اجازه می‌دهد بخش بزرگی از هزینه‌ها را به شرکت‌های داخلی، به‌ویژه در حوزه‌های پهپاد، کشتی، خودروهای زرهی، موشک و مهمات اختصاص دهد.

بر اساس این گزارش، ترکیه حدود ۲۲۸۴ تانک، ۱۱۰۱ هواپیما، ۵۰۹ بالگرد و ۱۹۲ شناور دریایی دارد و تعداد نیروهای فعال آن حدود ۴۸۱ هزار نفر است.

رژیم صهیونیستی در فهرست «گلوبال فایر پاور» با بودجه دفاعی حدود ۳۴.۶ میلیارد دلار برای سال ۲۰۲۶ در جایگاه سوم قرار دارد. این سایت ذخایر تسلیحاتی رژیم صهیونیستی را حدود ۱۳۰۰ تانک، ۵۹۷ هواپیما، ۱۲۷ بالگرد و ۸۲ شناور دریایی تخمین می‌زند، هرچند تأکید می‌کند که این ارقام نشان‌دهنده حجم کلی ذخایر است و لزوماً به معنای تجهیزات آماده برای نبرد نیست.

کنست رژیم صهیونیستی در مارس ۲۰۲۶ بودجه نظامی خود را افزایش داده و به این ترتیب این بودجه به رقمی بیش از ۴۵ میلیارد دلار رسید.

امارات با بودجه دفاعی حدود ۲۳.۴۸ میلیارد دلار در رتبه چهارم قرار دارد. گلوبال فایر پاور ذخایر امارات را حدود ۵۸۱ هواگرد از جمله ۲۵۰ بالگرد و ۳۵۴ تانک برآورد می‌کند. زرادخانه این کشور شامل جنگنده‌های «اف-۱۶ ای/اف دزرت فالکون»، «میراژ ۲۰۰۰-۹»، بالگردهای «ای‌اچ-۶۴ آپاچی»، سامانه موشکی «تاد» و تانک‌های «لکلر» است.

بودجه دفاعی قطر طبق برآورد گلوبال فایر پاور حدود ۱۱.۹۵ میلیارد دلار و تعداد نیروهای فعال آن حدود ۲۶،۵۵۰ نفر است. ایران با بودجه دفاعی حدود ۹.۲۳ میلیارد دلار در رتبه ششم منطقه قرار دارد. این در حالی است که تعداد نیروهای فعال آن حدود ۶۱۰ هزار نفر است. این رقم حدود یک‌هفتم بودجه عربستان است که نشان دهنده بهره‌وری بالای صنایع نظامی ایرانو پایین بودن هزینه‌کرد اسمی به ازای هر فرد در مقایسه با کشورهای حوزه خلیج فارس، است.

کشورهای عمان، عراق، اردن، کویت و مصر در رتبه‌های بعدی این لیست قرار دارند.

آمریکا پیروز نخواهد شد

از آغاز تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، نه‌تنها اهداف اعلامی این عملیات محقق نشد، بلکه به اذعان مقامات غربی و رسانه های آمریکایی، بن‌بست راهبردی و شکست‌های میدانی و سیاسی بر متجاوزان تحمیل شد. این جنگ که با حملات گسترده و کشتار غیرنظامیان از جمله دانش‌آموزان بی‌گناه آغاز شد، به‌سرعت ابعاد انسانی، امنیتی و اقتصادی گسترده‌ای پیدا کرد و واکنش‌های متفاوتی را در رسانه‌های بین‌المللی برانگیخت.

رسانه‌های جهان هر یک با رویکردهای خاص خود، تلاش کرده‌اند روایت این جنگ را شکل دهند؛ بررسی این بازتاب‌ها می‌تواند تصویری روشن‌تر از وضعیت واقعی جنگ و چشم‌انداز آن ارائه دهد.

رسانه های انگلیسی

خبرگزاری آسوشیتد پرس در گزارشی ادعا کرد که ایالات متحده در هفته‌های اخیر موفق شده کنترل ایران بر تنگه هرمز را تا حدی تضعیف کند و هم‌زمان صادرات نفت ایران را تقریباً به صفر برساند. بر اساس آمار موسسه کپلر، صادرات نفت ایران از ۱.۸۵ میلیون بشکه در روز در بهار به حدود ۲۵۵ هزار بشکه در ماه اوت کاهش یافته است. در مقابل، صادرات نفت کشورهای غیرایرانی از ۳۰۰ هزار بشکه در اوج جنگ به ۸.۴ میلیون بشکه در سپتامبر افزایش یافته و با احتساب مسیرهای جایگزین به ۱۰.۸ میلیون بشکه در روز رسیده است. کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا، مدعی شده که جریان نفت به «دو-سوم یا بیشتر از سطح پیش از جنگ» بازگشته است.

با این حال، آسوشیتد پرس تأکید می‌کند که این موفقیت نسبی، جنگ را به پایان نرسانده است. مونا یعقوبیان، کارشناس خاورمیانه در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، تصریح می‌کند: «متأسفانه آمریکا در جنگ با ایران پیروز نمی‌شود. ایران هیچ نشانه‌ای از عقب‌نشینی نشان نمی‌دهد و نه تنها مایل به مقاومت است، بلکه تمایل دارد هر جا که می‌تواند تنش را تشدید کند.» این گزارش می‌افزاید که تنش‌ها بر سر تنگه هرمز همچنان بالاست و انصارالله یمن با تشدید حملات به عربستان، قیمت نفت را بار دیگر به بالای ۱۰۰ دلار رسانده است.

آسوشیتد پرس خاطرنشان می‌سازد که ادامه این وضعیت برای هر دو طرف پرهزینه است. جنگ تاکنون ۳۷.۵ میلیارد دلار برای مالیات‌دهندگان آمریکایی هزینه داشته و ۱۸ نظامی این کشور کشته شده‌اند. ترامپ نیز اذعان کرده که قیمت بنزین احتمالاً تا انتخابات میاندوره‌ای بالا خواهد ماند.

شبکه ان‌بی‌سی نیوز در تحلیلی نوشت که جنگ ایران با وجود شش ماه تداوم، در کنوانسیون میاندوره‌ای حزب جمهوری‌خواه در دالاس به موضوعی حاشیه‌ای تبدیل شده و تقریباً هیچ‌یک از سخنرانان به آن نپرداختند. تنها دونالد ترامپ، پیت هگست و تا حدی جی.دی. ونس به این جنگ اشاره کردند. ونس بدون نام بردن صریح از ایران، از چارلی کرک تجلیل کرد و گفت او «از جنگ متنفر بود» و اذعان کرد که «کسانی هستند که آنچه ما انجام داده‌ایم را دوست دارند و کسانی که ندارند.» رابرت جفرس، کشیش کلیسای باپتیست دالاس، نیز گفت «ما در جنگ هستیم» اما ادعا کرد که منظور او جنگی «کیهانی» میان خیر و شر است، نه جنگ با ایران.

این گزارش تصریح می‌کند که سکوت جمهوری‌خواهان نشان‌دهنده کاهش محبوبیت این جنگ و عدم تمایل حزب به دفاع از آن در آستانه انتخابات نوامبر است. نظرسنجی ان‌بی‌سی نیوز نشان می‌دهد تنها ۳۱ درصد آمریکایی‌ها مدیریت ترامپ در این جنگ را تأیید می‌کنند و ۶۹ درصد مخالفند. شدت حمایت جمهوری‌خواهان نیز به شدت کاهش یافته و سهم کسانی که «به شدت» از آن حمایت می‌کنند از بهار ۱۸ واحد سقوط کرده و به ۳۰ درصد رسیده است. در میان حامیان جنبش «ماگا»، این کاهش ۲۱ واحدی بوده و به ۴۳ درصد رسیده است. این نظرسنجی نشان می‌دهد که نارضایتی از جنگ حتی در پایگاه اصلی ترامپ نیز در حال گسترش است.

ان‌بی‌سی نیوز می‌افزاید که ترامپ در سخنرانی خود مدعی شد جنگ «کمی پس از روز انتخابات» پایان خواهد یافت، اما ۱۸ نظامی آمریکایی کشته شده و حدود ۵۰ هزار نیرو در منطقه مستقرند. در کنوانسیون، تنها یک کشیش در دعای افتتاحیه به سربازان اشاره کرد و خواستار بازگشت ایمن و سریع آنان شد.

رسانه های عربی

الجزیره در یادداشتی پیرامون درگیری ایران و آمریکا نوشت: مواجهه میان ایران و آمریکا از مرحله «نه جنگ، نه صلح» عبور کرده و وارد مرحله‌ای از رویارویی مستقیم‌تر شده است؛ به‌ویژه در حوزه کشتیرانی، نفت و تنگه هرمز. آمریکا با تحریم، محاصره دریایی و حملات محدود تلاش می‌کند فشار اقتصادی و نظامی بر ایران را افزایش دهد، در حالی که گزینه حمله گسترده‌تر را نیز باز نگه می‌دارد.

ایران نیز نمی‌خواهد تصمیم درباره زمان و شدت تشدید درگیری فقط در اختیار واشنگتن باشد؛ بنابراین با تهدید کشتی‌ها، محدود کردن عبورومرور دریایی و افزایش هزینه‌های نظامی و اقتصادی آمریکا واکنش نشان می‌دهد. تنگه هرمز به یکی از مهم‌ترین نقاط این رویارویی تبدیل شده است. کاهش شدید عبور کشتی‌ها و افزایش قیمت نفت، پیامدهای درگیری را به اقتصاد جهانی منتقل کرده است. انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در ۳ نوامبر نیز در محاسبات واشنگتن اهمیت دارد؛ زیرا گسترش جنگ می‌تواند از نظر سیاسی و اقتصادی برای دولت ترامپ هزینه‌زا باشد. در مقابل، تهدید آمریکا علیه تأسیسات نزدیک نطنز و تلاش ایران برای گسترش مناطق دریایی ممنوعه نشان می‌دهد که خطوط قرمز دو طرف در حال جابه‌جایی است. چه کسی زمان تشدید تنش را تعیین می‌کند؟ پاسخ اصلی گزارش این است که هیچ‌کدام به‌تنهایی کنترل کامل تشدید تنش را در دست ندارند.

ترامپ: حقوق نظامی ها و پلیس ایران قطع شده است!

پیشروی انصارالله در ساحل غربی یمن و نزدیکی به باب‌المندب، معادلات جنگ را تغییر داده و این نیرو را به بازیگری اثرگذار بر امنیت کشتیرانی و انرژی منطقه تبدیل کرده است.

تحولات چند روز اخیر در غرب یمن، معادلات میدانی این کشور را وارد مرحله تازه‌ای کرده است. پیشروی سریع انصارالله در امتداد ساحل دریای سرخ و رسیدن این نیرو به مناطق و جزایری که در مجاورت باب‌المندب قرار دارند، صرفا به معنای جابه‌جایی خطوط درگیری در یک جنگ داخلی نیست؛ این تحولات جایگاه جغرافیایی انصارالله را تغییر داده و به این نیرو امکان داده است در یکی از حساس‌ترین مسیرهای دریایی جهان، اهرم‌های جدیدی در اختیار داشته باشد.

پیشروی انصارالله تا آستانه باب‌المندب

اهمیت این اتفاق زمانی بیشتر روشن می‌شود که به مسیر پیشروی‌های اخیر نگاه کنیم. انصارالله در روزهای گذشته المخا را به کنترل خود درآورد و پس از آن دامنه تحرکاتش به سمت ذباب و جزایر حنیش کشیده شد و در نهایت جزیره میون در ورودی باب‌المندب به کانون تحولات تبدیل شد. رویترز گزارش داده است که نیروهای دولت یمن از میون و منطقه ذباب عقب‌نشینی کرده‌اند و انصارالله کنترل میون را در اختیار گرفته است. این اتفاق از آن جهت اهمیت دارد که میون دقیقا در مسیر ورودی دریای سرخ قرار دارد و موقعیت آن به هر نیروی مسلط بر جزیره اجازه می‌دهد بر تحولات پیرامون یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های دریایی جهان اثر بگذارد.

البته اهمیت میون را نباید صرفا به خود این جزیره محدود کرد. ارزش واقعی پیشروی اخیر در مجموعه‌ای از نقاط به هم پیوسته در ساحل غربی یمن است. المخا، ذباب، حنیش و میون هر کدام به تنهایی اهمیت خاصی دارند، اما کنار هم قرار گرفتن آنها تصویری متفاوت ایجاد می‌کند؛ انصارالله اکنون نسبت به گذشته در موقعیتی قرار گرفته که می‌تواند تحولات ساحلی را از عمق یمن تا دهانه باب‌المندب تحت تاثیر قرار دهد. به بیان ساده‌تر، این نیرو از یک بازیگر مستقر در داخل یمن به بازیگری تبدیل شده که موقعیت آن مستقیما با امنیت دریای سرخ و مسیرهای بین‌المللی کشتیرانی گره خورده است.

باب‌المندب یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های دریایی جهان است. این تنگه دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می‌کند و از طریق دریای سرخ، مسیر کشتیرانی آسیا به اروپا و کانال سوئز را شکل می‌دهد. حدود ۱۰ درصد تولید نفت جهان از مسیر این منطقه عبور می‌کند و اختلال در آن می‌تواند هزینه و زمان حمل‌ونقل میان آسیا و اروپا را افزایش دهد. اهمیت باب‌المندب در سال‌های گذشته نیز زمانی آشکار شد که ناامنی در این منطقه باعث شد شماری از شرکت‌های بزرگ کشتیرانی مسیر کشتی‌های خود را تغییر دهند و به جای عبور از دریای سرخ، مسیر طولانی‌تر پیرامون آفریقا را انتخاب کنند.

بنابراین آنچه در ساحل غربی یمن اتفاق افتاده، فقط یک پیروزی زمینی برای انصارالله نیست. این پیروزی یک تغییر مهم در «جغرافیای قدرت» این نیرو ایجاد کرده است. هرچه انصارالله به باب‌المندب نزدیک‌تر شود و نقاط بیشتری را در امتداد ساحل در اختیار داشته باشد، توان آن برای تاثیرگذاری بر امنیت دریایی و محاسبات کشورهای منطقه افزایش پیدا می‌کند. این مسئله به‌خصوص در شرایط فعلی که تردد دریایی در منطقه تحت تاثیر بحران گسترده‌تر خاورمیانه قرار گرفته، اهمیت مضاعف دارد.

واکنش آمریکا و عربستان به تغییر موازنه قدرت در ساحل غربی یمن

واکنش عربستان سعودی نیز نشان می‌دهد ریاض این تحول را صرفا یک اتفاق داخلی در یمن نمی‌بیند. بر اساس گزارش آکسیوس، محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، روز پنجشنبه دو بار با دونالد ترامپ تماس گرفت و از رئیس‌جمهور آمریکا خواست علیه انصارالله دست به اقدام مستقیم بزند. ترامپ با ورود مستقیم نظامی آمریکا مخالفت کرد، اما واشنگتن در عین حال حمایت اطلاعاتی خود از عربستان را افزایش داده است. آکسیوس گزارش داده است که دولت آمریکا در حال افزایش حمایت از عربستان برای مقابله با پیشروی انصارالله است و اولویت واشنگتن حفظ دسترسی به مسیر دریایی دریای سرخ عنوان شده است.

این موضع واشنگتن یک نکته مهم را نشان می‌دهد. آمریکا از یک سو نمی‌خواهد اجازه دهد تحولات ساحل غربی یمن به یک تهدید جدی برای مسیرهای دریایی تبدیل شود، اما از سوی دیگر تمایلی ندارد مستقیما وارد یک جنگ جدید شود. به همین دلیل، سیاست فعلی آمریکا ترکیبی از حمایت اطلاعاتی و عملیاتی از عربستان و پرهیز از ورود مستقیم به درگیری است.

گزارش اختصاصی سی‌ان‌ان نیز از حضور بیش از ۱۰۰ مشاور نظامی آمریکایی در عربستان خبر داده است؛ نیروهایی که در حوزه اطلاعات و شناسایی اهداف به عربستان کمک می‌کنند. یک گزارش تلویزیونی سی‌ان‌ان توضیح داده که آمریکا اطلاعات مشخصی برای کمک به حملات سعودی ارائه می‌کند و در زمینه مشاهده و تحلیل لحظه‌ای میدان نبرد نیز به ریاض کمک می‌کند.

از این زاویه، درخواست کمک ریاض از واشنگتن را باید یکی از نشانه‌های مهم تغییر وضعیت در یمن دانست. عربستان سال‌هاست که تلاش کرده نشان دهد می‌تواند امنیت مرزهای جنوبی و منافع خود در یمن را مدیریت کند. اما اکنون، در شرایطی که انصارالله به مناطق حساس ساحل غربی رسیده و فاصله آن با باب‌المندب کاهش یافته، ریاض بار دیگر به حمایت مستقیم آمریکا نیاز پیدا کرده است.

باب‌المندب؛ گلوگاه تجارت و انرژی

اهمیت این موضوع برای عربستان فقط به امنیت مرزهای جنوبی محدود نمی‌شود. دریای سرخ برای اقتصاد عربستان و صادرات نفت این کشور نیز اهمیت حیاتی دارد. در شرایطی که تنگه هرمز نیز با بحران جدی روبه‌روست، هرگونه افزایش ناامنی در باب‌المندب می‌تواند فشار مضاعفی بر مسیرهای صادراتی و زنجیره انتقال انرژی وارد کند. همین مسئله باعث شده تحولات یمن از یک پرونده امنیتی منطقه‌ای به موضوعی با پیامدهای مستقیم اقتصادی تبدیل شود.

بازار انرژی نیز به این تحولات واکنش نشان داده است. قیمت نفت در روزهای اخیر تحت تاثیر مجموعه‌ای از تحولات منطقه‌ای افزایش قابل توجهی داشته و رویترز گزارش داده است که قیمت نفت برنت در معاملات روز جمعه همچنان بالای ۱۰۵ دلار قرار داشت و بازار درگیر نگرانی درباره اختلال در عرضه و مسیرهای انتقال انرژی بود. آژانس بین‌المللی انرژی نیز از تشدید نگرانی‌ها درباره کاهش عرضه نفت در سال ۲۰۲۶ به دلیل بحران‌های خاورمیانه خبر داده است.

از پیروزی میدانی تا قدرت راهبردی

در چنین شرایطی، ارزش پیشروی‌های انصارالله را باید فراتر از تعداد شهرها و جزایر تحت کنترل این نیرو ارزیابی کرد. یک نیروی نظامی زمانی به قدرت راهبردی تبدیل می‌شود که بتواند موقعیت جغرافیایی خود را به اهرم سیاسی، اقتصادی و امنیتی تبدیل کند. انصارالله اکنون در نقطه‌ای قرار گرفته که موقعیت آن در ساحل غربی یمن می‌تواند بر محاسبات عربستان، آمریکا، شرکت‌های کشتیرانی و حتی بازار انرژی اثر بگذارد.

این پیشروی نشان می‌دهد که جنگ یمن پس از دوره‌ای از آرامش نسبی، وارد مرحله‌ای متفاوت شده است. توافق آتش‌بس سال ۲۰۲۲ توانسته بود شدت درگیری‌های گسترده را کاهش دهد، اما تحولات هفته‌های اخیر نشان می‌دهد توازن ایجادشده در آن دوره دیگر همان ثبات گذشته را ندارد. انصارالله نه تنها توانسته موقعیت‌های جدیدی به دست آورد، بلکه این بار در حال پیشروی در جغرافیایی است که ارزش آن برای بازیگران خارجی بسیار بیشتر از یک منطقه معمولی در جنگ یمن است.

به همین دلیل، پیروزی‌های اخیر را باید یک نقطه عطف در تاریخ جنگ یمن دانست. اهمیت واقعی این پیروزی‌ها نه فقط در تصرف یک شهر یا جزیره، بلکه در تغییری است که در موقعیت انصارالله ایجاد شده است. این نیرو اکنون در مجاورت یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های تجارت جهانی قرار گرفته و همین موقعیت باعث شده تصمیم‌های آن دیگر فقط برای بازیگران داخلی یمن اهمیت نداشته باشد.

از المخا تا ذباب و از حنیش تا میون، انصارالله در چند روز گذشته جایگاه خود را در ساحل غربی یمن به شکل محسوسی ارتقا داده است. نتیجه این پیشروی، شکل‌گیری یک واقعیت تازه در دریای سرخ است؛ واقعیتی که عربستان را به درخواست کمک از آمریکا واداشته، واشنگتن را به افزایش حمایت اطلاعاتی از ریاض کشانده و بازار انرژی و کشتیرانی را نسبت به پیامدهای تحولات یمن حساس‌تر کرده است. به همین دلیل، آنچه امروز در ساحل سرخ یمن اتفاق می‌افتد را نمی‌توان صرفا ادامه جنگ داخلی این کشور دانست؛ این تحولات در حال تبدیل شدن به بخشی از معادله بزرگ‌تر امنیت دریایی، تجارت جهانی و انرژی در منطقه است.

بریکس چگونه می‌تواند تجارت ایران را از تحریم و دلار عبور دهد؟

ایران در شرایطی در اجلاس بریکس هند حضور دارد که این گروه اکنون به یکی از مهم‌ترین کانون‌های تجارت جنوب جهانی تبدیل شده است. بر اساس گزارش کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل، صادرات کالایی اعضای بریکس در سال ۲۰۲۴ به حدود ۶ تریلیون دلار و واردات آنها به حدود ۵ تریلیون دلار رسیده و تجارت درون‌گروهی نیز به حدود ۱.۲ تریلیون دلار افزایش یافته است.

این ارقام نشان می‌دهد بریکس برای ایران صرفاً یک ائتلاف سیاسی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از اقتصادهای بزرگ مصرف‌کننده، تولیدکننده، صادرکننده انرژی و صاحب بازارهای سرمایه را در خود جای داده است. ایران نیز از سال ۲۰۲۴ به عضویت کامل این گروه درآمد و در کنار چین، هند، روسیه، امارات، عربستان، مصر، اتیوپی، اندونزی، برزیل و آفریقای جنوبی قرار گرفته است.

تجارت ایران با بریکس؛ عددی که از خود عضویت مهم‌تر است

واقعیت این است که ایران پیش از عضویت رسمی نیز بخش قابل‌توجهی از تجارت خارجی خود را با کشورهای عضو بریکس انجام می‌داد. داده‌های منتشرشده در بولتن اقتصادی بریکس نشان می‌دهد صادرات گمرکی ایران به کشورهای بریکس در سال ۱۴۰۳ به حدود ۲۳.۷ میلیارد دلار رسیده و واردات ایران از این کشورها در همین دوره حدود ۳۸.۸ میلیارد دلار بوده است.به این ترتیب، تجارت ایران با بریکس پیش از آنکه یک فرصت بالقوه باشد، همین حالا بخش مهمی از واقعیت تجارت خارجی کشور است. مسئله اصلی از اینجا آغاز می‌شود که عضویت ایران در این گروه تا چه اندازه می‌تواند کیفیت این تجارت را تغییر دهد.چالش تجارت ایران با کشورهای عضو بریکس فقط پیدا کردن خریدار یا فروشنده نیست؛ مشکل اصلی در بسیاری از موارد به انتقال پول، هزینه مبادلات، بیمه، حمل‌ونقل، محدودیت‌های بانکی و ریسک تحریم بازمی‌گردد.

از همین منظر، اهمیت محور مالی بریکس برای ایران از خود افزایش حجم تجارت کمتر نیست.

گره تجارت ایران؛ بازار هست، مسیر پرداخت نیست

یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصادی اجلاس امسال بریکس، توسعه سازوکارهای پرداخت و کاهش اصطکاک در مبادلات میان اعضاست. هند، به‌عنوان رئیس دوره‌ای بریکس در سال ۲۰۲۶، اکنون پیشنهاد اتصال ارزهای دیجیتال بانک‌های مرکزی اعضای این گروه را برای تسهیل پرداخت‌های فرامرزی دنبال می‌کند. این طرح ادامه تلاش‌های بریکس برای افزایش قابلیت همکاری سامانه‌های پرداخت اعضاست. برای ایران، اهمیت این موضوع روشن است. هر سازوکاری که بتواند هزینه و زمان تسویه تجارت خارجی را کاهش دهد، می‌تواند مستقیماً بر امکان توسعه صادرات و واردات اثر بگذارد.البته این مسیر هنوز با موانع جدی مواجه است. رویترز گزارش داده که اختلافات ژئوپلیتیک میان اعضا و حتی قطع روابط مالی ایران و امارات، در کنار نیاز به سازوکارهای سوآپ ارزی برای مدیریت عدم‌توازن تجاری، اجرای چنین طرح‌هایی را دشوار کرده است.بنابراین، انتظار از بریکس نباید ایجاد یک «پول مشترک» یا حذف یک‌شبه دلار باشد؛ بلکه در کوتاه‌مدت، کاهش هزینه تسویه، استفاده بیشتر از ارزهای محلی و اتصال سامانه‌های پرداخت می‌تواند دستاورد عملی‌تری برای تجارت اعضا باشد.انتظار از بریکس نباید ایجاد یک «پول مشترک» یا حذف یک‌شبه دلار باشد؛ بلکه در کوتاه‌مدت، کاهش هزینه تسویه، استفاده بیشتر از ارزهای محلی و اتصال سامانه‌های پرداخت می‌تواند دستاورد عملی‌تری برای تجارت اعضا باشد

چین؛ ستون تجارت ایران در بریکس

در میان اعضای بریکس، چین همچنان مهم‌ترین شریک تجاری ایران است. داده‌های سازمان تجارت جهانی نشان می‌دهد چین در سال ۲۰۲۴ مقصد ۲۶ درصد از واردات ایران و مبدأ ۲۶ درصد از صادرات ایران بوده است.

اما همین تمرکز بالا یک روی دیگر هم دارد؛ اگر قرار باشد بریکس به ابزار تنوع‌بخشی تجارت خارجی ایران تبدیل شود، صرفاً افزایش مبادلات با چین کافی نیست.

هند، روسیه، امارات، عربستان و دیگر اعضای این گروه هر کدام بازار و ظرفیت متفاوتی دارند و توسعه تجارت با آنها می‌تواند از تمرکز بیش از اندازه تجارت ایران بر چند شریک محدود بکاهد.

البته شرایط هند با چین متفاوت است. تجارت ایران و هند در سال‌های اخیر تحت تأثیر تحریم‌ها و فشارهای ثانویه آمریکا محدود شده و تجارت دوجانبه در مقایسه با ظرفیت دو اقتصاد بسیار پایین‌تر از سطح مورد انتظار است. رویترز نیز در گزارشی در ماه اوت از کاهش تجارت هند و ایران تحت فشار آمریکا خبر داده و تجارت هند با ایران را عمدتاً محدود به برخی اقلام غذایی و دارویی توصیف کرده بود.

از این منظر، حضور ایران در اجلاس هند یک فرصت برای بازتعریف همین رابطه تجاری است؛ نه صرفاً در سطح تهران و دهلی، بلکه در چارچوب گسترده‌تر بریکس.

بریکس چگونه می‌تواند تجارت ایران را از تحریم و دلار عبور دهد؟

ایران می‌تواند از «بازار» به «مسیر تجارت» تبدیل شود

ظرفیت ایران در بریکس تنها به صادرات کالا محدود نیست. موقعیت جغرافیایی کشور، به‌ویژه در اتصال روسیه و شمال اوراسیا به آب‌های جنوبی و بازار هند، یک مزیت مهم دیگر است.پیش از سفر به هند نیز وزیر اقتصاد، تقویت کریدور شمال–جنوب را در کنار توسعه همکاری‌های مالی و تجاری با روسیه از محورهای دیپلماسی اقتصادی دولت عنوان کرده بود.به گفته فعالان اقتصادی، در چنین مدلی، کالا فقط از ایران به یک کشور عضو بریکس صادر نمی‌شود؛ بلکه بخشی از تجارت میان اعضای بریکس نیز می‌تواند از مسیر ایران عبور کند.کریدور شمال–جنوب در این میان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ چراکه هند به‌عنوان یکی از اقتصادهای بزرگ بریکس، به مسیرهای متنوع برای دسترسی به بازار روسیه و اوراسیا نیاز دارد و ایران در این میان از موقعیت جغرافیایی ممتازی برخوردار است.تجارت در بریکس؛ فاصله میان ظرفیت و واقعیتبا وجود تمام این ظرفیت‌ها، نباید از یک واقعیت غافل شد، عضویت در بریکس به خودی خود تجارت ایجاد نمی‌کند.تجربه دیگر اعضا نیز نشان می‌دهد که حتی تجارت میان کشورهای بریکس با وجود رشد قابل‌توجه، با موانع ساختاری مواجه است؛ برای نمونه، تجارت هند با بریکس طی سال‌های اخیر رشد کرده، اما کسری تجاری هند با این گروه در سال مالی ۲۰۲۶ به حدود ۲۲۶ میلیارد دلار رسیده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد افزایش تجارت لزوماً به معنای تجارت متوازن یا ایجاد منافع یکسان برای اعضا نیست.

فعالان اقتصادی بر این باور هستند که برای ایران نیز مسئله فقط افزایش رقم تجارت نیست؛ بلکه باید دید این تجارت چه اثری بر صادرات غیرنفتی، واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات، سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری و درآمد ارزی خواهد داشت.

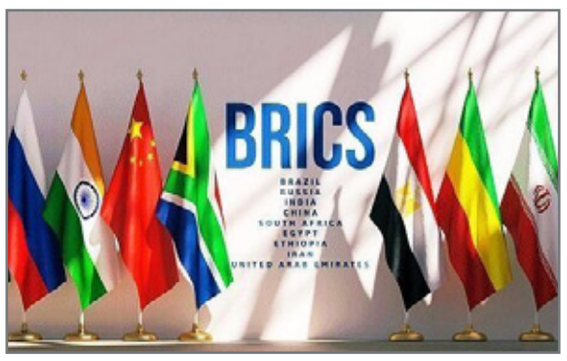

در این چارچوب، اگر بریکس صرفاً به افزایش واردات ایران از کشورهای عضو منجر شود، نمی‌توان آن را موفقیت تجاری دانست. هدف اصلی باید ایجاد توازن بیشتر، افزایش صادرات با ارزش افزوده بالاتر و جذب سرمایه برای تولید صادرات‌محور باشد. آزمون بریکس برای تجارت ایرانحضور ایران در اجلاس امسال بریکس در حالی رقم می‌خورد که فضای اقتصادی جهان بیش از گذشته تحت تأثیر تحریم، جنگ تجاری، محدودیت‌های مالی و اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل قرار گرفته است.همزمان، جنگ ایران و آمریکا و تحولات تنگه هرمز، خود بریکس را نیز با آزمونی کم‌سابقه مواجه کرده است. رویترز گزارش داده که بحران جاری حتی روابط تجاری میان دو عضو بریکس، ایران و امارات، را تحت تأثیر قرار داده و امارات از ماه اوت تجارت با ایران را متوقف کرده است.این اتفاق یک نکته مهم را برای ایران روشن می‌کند، بریکس هنوز یک منطقه تجارت آزاد یا اتحادیه اقتصادی یکپارچه نیست. اعضای آن منافع متفاوت و گاه متعارضی دارند و نمی‌توان انتظار داشت صرف عضویت در این گروه، محدودیت‌های تجاری ایران را برطرف کند.اما همین واقعیت، اهمیت مذاکرات اقتصادی ایران در این چارچوب را بیشتر می‌کند.اگر ایران بتواند از ظرفیت بریکس برای ایجاد مسیرهای پرداخت، استفاده از ارزهای محلی، تأمین مالی پروژه‌ها، توسعه کریدورهای ترانزیتی و گسترش توافق‌های تجاری استفاده کند، عضویت در این گروه می‌تواند از یک دستاورد دیپلماتیک به ابزار واقعی تجارت خارجی تبدیل شود.در غیر این صورت، با وجود بازار چند تریلیون دلاری بریکس، بخش مهمی از ظرفیت این عضویت همچنان روی کاغذ باقی خواهد ماند.بنابراین صرف بزرگ بودن بریکس نمی‌تواند به خودی خود به بهبود فرایند تجاری ایران کمک کند بلکه باید دید ایران چه سهمی از تجارت این بلوک می‌تواند به دست آورد و مهم‌تر از آن، با چه سازوکاری می‌تواند پول حاصل از این تجارت را جابه‌جا کند و نکته مهم‌تر اینکه بریکس از سطح بیانیه‌های سیاسی به سطح قرارداد، پرداخت، سرمایه‌گذاری و جریان واقعی کالا تبدیل شود.

فعالیت ۱۵ هزار گروه خودیار

سید مالک حسینی، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از فعالیت ۱۵ هزار گروه خودیار با هدف تأمین مالی خرد و ایجاد اشتغال با عضویت بیش از ۲۲۰ هزار نفر در سراسر کشور خبر داد و گفت: نقش این گروه‌ها در توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی، به‌ویژه زنان و اقشار محروم،بستری مناسب برای شکل‌گیری تعاونی‌های رسمی به شمار می‌روند.

وی با اشاره به وظایف قانونی برنامه هفتم توسعه و تخصیص منابع از سوی سازمان برنامه و بودجه، اظهار کرد: برنامه تأمین مالی خرد، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار و مرزی، اولویت اصلی ما بوده و راه‌اندازی گروه‌های خودیار در این مناطق به همین منظور در دستور کار قرار گرفته است.

وی با توضیح درباره ماهیت گروه‌های خودیار، آن‌ها را نهادهایی غیررسمی و محلی توصیف کرد که افراد با تکیه بر اعتماد متقابل و همگنی اجتماعی، گرد هم می‌آیند تا از طریق پس‌اندازهای مشترک و اعطای قرض به یکدیگر، نیازهای مالی خود را برطرف کنند .

حسینی ادامه داد: این الگو بر پایه خوداتکایی بنا شده و هدف آن، توانمندسازی اعضا برای حل مشکلاتشان بدون وابستگی به کمک‌های بیرونی است.

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، عضویت همگن اعضا، سیستم پیوندی و قرض‌دهی جمعی، حاکمیت توافقی و اصل خوداتکایی را از مشخصات بنیادی این گروه‌ها برشمرد.

وی افزود: این گروه‌ها نقش مهمی در ایجاد شمول مالی برای افرادی دارند که دسترسی محدودی به نظام بانکی رسمی دارند و به عنوان یک شبکه امنیت اجتماعی، در مواقع بحران به یاری اعضا می‌شتابند.

حسینی همچنین بر نقش گروه‌های خودیار در تقویت صدای جمعی و قدرت چانه‌زنی اقشار محروم و همچنین فراهم آوردن بستری برای یادگیری مهارت‌های مالی و مدیریتی در میدان عمل تأکید کرد.

وی با اشاره به پیوند عمیق این گروه‌ها با ساختار تعاونی‌ها، بیان کرد: گروه‌های خودیار را می‌توان به عنوان مرحله ابتدایی و پیش تعاونی در نظر گرفت. این گروه‌ها پله‌ای برای شکل‌گیری تعاونی‌های رسمی و ساختارمند هستند، همانطور که در الگوهای موفق جهانی، این گروه‌ها به مرور زمان به تعاونی‌های اعتباری تبدیل می‌شوند.

حسینی در تشریح اجرای این برنامه گفت: در سال اول، با توجه به منابع محدود، در ۱۶ استان مرزی و ۳۵ شهرستان، مجموعاً ۶۰۰ گروه خودیار جدید با ظرفیت حداکثر ۱۵ نفر برای هر گروه و با همکاری بخش غیردولتی و تسهیل‌گران در دولت چهاردهم هدف گذاری شده است. اعضا در این گروه‌ها، علاوه‌بر دریافت تسهیلات، آموزش‌های لازم در زمینه سواد مالی، همکاری مشترک، شناسایی بازار و نحوه ارائه محصول را نیز دریافت می‌کنند تا آمادگی لازم برای اشتغال‌پذیری را کسب کنند.

وی مجموع اعتبار در نظر گرفته شده برای راه‌اندازی این گروه‌ها در سال اول را بالغ بر ۵۳۰ میلیارد ریال عنوان و ابراز امیدواری کرد: با حمایت‌های بیشتر، شاهد پایداری و گسترش این گروه‌ها با شیم .

تقویت همکاری صندوق‌های خرد محلی با صندوق کارآفرینی امید، به توسعه ظرفیت‌های اشتغال کمک می‌کند

محسن ضیایی، مدیرعامل صندوق وابسته به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به ظرفیت‌های موجود برای تقویت کسب‌وکارهای خرد و محلی، اظهار کرد: انتظار صندوق این است که ارتباط و همکاری میان صندوق‌های خرد محلی و این صندوق کارآفرینی به‌صورت دوسویه و مستمر توسعه یابد.

وی با بیان اینکه تمرکز و گردش فعالیت‌های مالی صندوق‌های خرد محلی در شعب این صندوق می‌تواند زمینه تقویت توان مالی و افزایش ظرفیت حمایت از کسب‌وکارها را فراهم کند، افزود: توسعه این همکاری‌ها در نهایت به افزایش توان صندوق برای ارائه تسهیلات و حمایت مؤثرتر از فعالیت‌های اشتغال‌زا منجر خواهد شد.

این مسئول دولتی ظرفیت‌های جدید صندوق در حوزه خدمات و بازاررسانی محصولات را تشریح کرد و گفت: «اُپی» یکی از محصولات فناورانه جدید صندوق است که می‌تواند به‌عنوان ابزاری کاربردی، فرآیند فروش و دریافت وجوه را برای کسب‌وکارها تسهیل کند.

ضیایی همچنین با اشاره به راه‌اندازی بازارگاه اینترنتی «صَکا» تصریح کرد: صندوق‌های خرد محلی و تولیدکنندگان می‌توانند محصولات خود را با نام و برند خود در این بازارگاه عرضه کرده و از ظرفیت ایجادشده برای معرفی و فروش محصولات بهره‌مند شوند.

سپرده قانونی تفکیکی؛ راهی برای مهار بانک‌های ناتراز

ناترازی بانک‌ها یکی از مسائل مهم اقتصاد ایران است؛ مسئله‌ای که آثار آن فقط در صورت‌های مالی یک بانک باقی نمی‌ماند. بانکی که دارایی‌های کم‌کیفیت، مطالبات وصول‌نشده یا تعهدات سنگین دارد، برای انجام پرداخت‌های روزمره خود با کمبود نقدینگی روبه‌رو می‌شود. اگر این کمبود از منابع داخلی یا بازار بین‌بانکی تأمین نشود، بانک ممکن است به اضافه‌برداشت از بانک مرکزی روی بیاورد.

اضافه در صورتاشت، در صورت تداوم، می‌تواند به افزایش پایه پولی و رشد نقدینگی منجر شود. در چنین شرایطی، زیان و ضعف یک بانک به مسئله‌ای عمومی تبدیل می‌شود و هزینه آن را در نهایت کل اقتصاد، از طریق تورم و کاهش قدرت خرید، پرداخت می‌کند.

سپرده قانونی یکی از ابزارهایی است که بانک مرکزی برای مدیریت نقدینگی و کنترل قدرت خلق اعتبار بانک‌ها در اختیار دارد. بانک‌ها موظفاند بخشی از سپرده‌های جذب‌شده را نزد بانک مرکزی نگهداری کنند. این بخش از منابع، مستقیماً در اختیار بانک برای پرداخت تسهیلات قرار نمی‌گیرد و به همین دلیل، افزایش سپرده قانونی می‌تواند سرعت رشد ترازنامه و اعتباردهی بانک را کاهش دهد.

با این حال، تعیین یک نرخ ثابت برای همه بانک‌ها لزوماً تصمیم مناسبی نیست. بانک‌ها از نظر کفایت سرمایه، کیفیت دارایی‌ها، میزان مطالبات غیرجاری، ترکیب سپرده‌ها، وضعیت نقدینگی و میزان وابستگی به منابع بانک مرکزی با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین، بانک سالم و منضبط نباید به اندازه بانکی که به‌طور مستمر اضافه‌برداشت دارد، مشمول محدودیت شود.

در الگوی سپرده قانونی تفکیکی، بانک‌ها براساس شاخص‌های سلامت و انضباط مالی رتبه‌بندی می‌شوند. بانک‌های سالم می‌توانند از نرخ پایه سپرده قانونی استفاده کنند؛ اما برای بانک‌هایی که از حدود رشد ترازنامه عبور کرده‌اند، نرخ بالاتری در نظر گرفته می‌شود. بانک‌های دارای ناترازی جدی نیز باید با محدودیت‌های شدیدتر مواجه شوند.

این سیاست در واقع نوعی جریمه احتیاطی است. بانک پرریسک به جای آنکه بتواند با جذب سپرده بیشتر و پرداخت تسهیلات جدید، مشکلات گذشته خود را پنهان کند، با هزینه بیشتری برای استفاده از منابع مواجه می‌شود. به بیان ساده، هرچه ریسک و بی‌انضباطی یک بانک بیشتر باشد، بخش بزرگ‌تری از سپرده‌های آن نزد بانک مرکزی بلوکه می‌شود و ظرفیت خلق اعتبار آن کاهش می‌یابد.

تنبیه بانک بد بدون ایجاد چرخه اضافه‌برداشت

سپرده قانونی تفکیکی، به‌تنهایی مشکل ناترازی را حل نمی‌کند. اگر بانک ناتراز پس از افزایش سپرده قانونی همچنان بتواند کسری خود را از طریق اضافه‌برداشت بدون محدودیت جبران کند، سیاست تنبیهی عملاً اثر خود را از دست می‌دهد. در این حالت، بانک ابتدا منابع بیشتری نزد بانک مرکزی نگه می‌دارد و سپس برای تأمین نقدینگی به همان بانک مرکزی مراجعه می‌کند. نتیجه، شکل‌گیری چرخه‌ای است که در آن ناترازی بانک به رشد پایه پولی منتقل می‌شود.

برای جلوگیری از این چرخه، افزایش سپرده قانونی باید با قاعده‌مند شدن دسترسی بانک‌ها به منابع بانک مرکزی همراه باشد. تأمین نقدینگی کوتاه‌مدت باید تا حد امکان در قالب ابزارهای شفاف، مدت‌دار و وثیقه‌محور انجام شود. بانک متقاضی باید دارایی قابل قبول، مانند اوراق دولتی یا سایر وثایق معتبر، در اختیار داشته باشد و منابع را با نرخ مشخص و متناسب با ریسک دریافت کند.

همچنین لازم است سقف استفاده هر بانک از منابع بانک مرکزی از پیش تعیین شود. این سقف می‌تواند براساس اندازه بانک، کیفیت دارایی‌ها، کفایت سرمایه، سابقه بازپرداخت و اهمیت آن بانک در شبکه پرداخت تعیین شود. بانکی که به‌طور مستمر از سقف‌های تعیین‌شده عبور می‌کند، نباید صرفاً با دریافت منابع جدید به فعالیت عادی خود ادامه دهد؛ بلکه باید وارد برنامه اصلاحی و نظارتی شود.

در این چارچوب، اضافه‌برداشت نباید به یک منبع دائمی تأمین مالی تبدیل شود. بانک مرکزی می‌تواند میان کمبود نقدینگی موقت و ناترازی ساختاری تفاوت قائل شود. بانک سالمی که به دلیل یک شوک کوتاه‌مدت با کمبود منابع مواجه شده است، با بانک‌هایی که سال‌ها زیان انباشته و دارایی‌های منجمد داشته‌اند، وضعیت یکسانی ندارد. حمایت نقدینگی از بانک سالم، بخشی از وظیفه ثبات مالی است؛ اما تأمین دائمی کسری بانک ناتراز، به معنای انتقال زیان آن به جامعه خواهد بود.

در کنار این اقدامات، نظارت بر بازار بین‌بانکی نیز اهمیت دارد. بانک‌های سالم نباید بدون وثیقه و بدون ارزیابی دقیق ریسک، منابع قابل توجهی در اختیار بانک‌های ناتراز قرار دهند. انتشار اطلاعات منظم درباره وضعیت نقدینگی، میزان اضافه‌برداشت و برنامه اصلاحی بانک‌ها نیز می‌تواند از شکل‌گیری شایعات و رفتارهای هیجانی جلوگیری کند.

همکاری دوباره با مایک میلز

به نقل از ورلد آف ریل، در حالی که در آغاز سال ۲۰۲۶ روشن شد مایک میلز حدود ۴ میلیون دلار اعتبار مالیاتی کالیفرنیا به دست آورده‌است، حدس زده شد که فیلم بعدی مایک میلز که ابتدا قرار بود فیلمبرداری آن در سال ۲۰۲۳ شروع شود، احتمالاً یک فیلم کوچک دیگر از این فیلمساز خواهد بود.

چند ماه بعد، میلز اعلام کرد فیلمبرداری فیلم بعدی خود را در زمستان انجام می‌دهد و این فیلم در حوزه سه فیلم آخر او «مبتدیان»، «زنان قرن بیستم» و «زود باش، زود باش» خواهد بود.

حالا اخبار مربوط به بازیگران نشان می دهد، قرار است خواکین فینیکس در فیلم بعدی که فیلمبرداری آن از ۱۸ ژانویه ۲۰۲۷ آغاز می‌شود، دوباره با میلز همکاری کند. این اولین فیلم فینیکس پس از آن است که از فیلم «شب» تاد هینز در سال گذشته انصراف داد.

میلز گفته فیلم جدیدش روابط پدر-فرزندی را ادامه خواهد داد، اما کمی خشن‌تر و وحشی‌تر خواهد بود.

این کارگردان که هر یک از ۳ فیلم آخر خود را با یک مدیر فیلمبرداری متفاوت انجام داد و از کسپر تاکسن، شان پورتر و رابی رایان بهره گرفت، این فیلم را با یک فیلمبردار جدید که هنوز معرفی نشده‌است، خواهد ساخت.

هرچند ساخت این پروژه هنوز به طور رسمی اعلام نشده، به نظر می‌رسد A۲۴ سازنده آن باشد.

«زنان قرن بیستم» یا «تازه‌کارها» دیگر فیلم‌های میلز نشان می‌دهند که او تمایل دارد فیلم‌هایی صمیمی و در مقیاس کوچک درباره اضطراب و اختلال عملکرد خانوادگی بسازد. آخرین فیلم بلند او، «زود باش، زودباش» محصول ۲۰۲۱ با بازی فینیکس و وودی نورمن؛ فیلمی شاعرانه درباره اضطراب‌های میانسالی و فرزندپروری بود و با استقبال خوبی روبه‌رو شد. پروژه جدید هم احتمالاً بر محتوای مشابهی تمرکز دارد.

مایک میلز برای فیلم «زنان قرن بیستم» نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی شد.

پرچم فلسطین درونیز بالا رفت

مستند «نازا» درباره کشتار سیستماتیک مردم غزه توسط رژیم صهیونیستی، با تشویق رکوردشکن ۲۴.۵ دقیقه‌ای تماشاگران در جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۶ روبه‌رو شد.

به نقل از ورایتی، «نازا» مستند جدید یووال آبراهام و راشل سزور، کارگردان‌های اسرائیلی که پیشتر از سازندگان «سرزمین دیگری نیست» بودند، روز پنجشنبه در اولین نمایش خود در جشنواره فیلم ونیز، با تشویق عظیم ۲۴.۵ دقیقه‌ای تماشاگران روبه‌رو شد.

این طولانی‌ترین تشویق ایستاده در ونیز در همه تاریخ برگزاری آن است که از ۲۲ دقیقه تشویق «صدای هند رجب» سال گذشته نیز پیشی گرفت و جاناتان گلیزر تهیه‌کننده فیلم را تحسین کرد.

جاناتان گلیزر کارگردان برنده جایزه اسکار برای «منطقه مورد علاقه»، که تهیه‌کننده اجرایی فیلم نیز است، آبراهام و سزور را در آغوش گرفت و در طول تشویق‌های حیرت‌انگیز تماشاگران، آنها را تشویق کرد. این ۲ کارگردان با چهره‌ای غمگین و هر ۲ با چشمان اشکبار، همانطور که تماشاگران نیز به گریه افتاده بودند و برخی پرچم‌های فلسطین را بالا گرفته بودند، برای به تصویر کشیدن رنج مردم غزه روی پرده ونیز مورد تشویق قرار گرفتند.

در خلاصه رسمی فیلم «نازا» آمده است: این فیلم سیستم پشت پرده برای کشتار جمعی برنامه‌ریزی‌شده غیرنظامیان فلسطینی در غزه توسط رژیم صهیونیستی را با جزئیات نشان می‌دهد.

این مستند جنجالی به صورت مخفیانه و شبانه از روی پشت بام‌های تل‌آویو فیلمبرداری شده و شامل مصاحبه‌های افشاگرانه با ۲۴ افسر و سرباز اطلاعاتی ارتش اسرائیل است.

«نازا» (NAZA) اصطلاحی که در سراسر مستند به گوش می‌رسد، مخفف خسارت جانبی است که توسط اطلاعات اسرائیل برای نشان دادن تعداد غیرنظامیانی که انتظار می‌رود در یک حمله هوایی کشته شوند، استفاده می‌شود.

این مستند یک ماه پس از اینکه فهرست اولیه ونیز در ماه جولای اعلام شد، به بخش رقابتی ونیز افزوده شد.

کارگردان‌های فیلم در یک کنفرانس مطبوعاتی که اوایل دیروز (پنجشنبه) و پیش از نمایش فیلم برگزار شد، توضیح دادند که دلیل اینکه فیلم در دقیقه نود به جشنواره رسید، این بود که آنها در حال اتمام فیلمی بودند که ۳ سال برای شکل گرفتن آن کار کرده بودند.

آبراهام و سزور ۲ نفر از چهار کارگردان فیلم «سرزمین دیگری نیست» بودند که برنده جایزه اسکار بهترین مستند ۲۰۲۵ شد و تلاش‌های دولت اسرائیل برای بیرون راندن فلسطینی‌ها از خانه‌هایشان در جنوب کرانه باختری را به تصویر می‌کشید.

آبراهام پیش از نمایش اولیه این مستند، در مصاحبه‌ای با ورایتی گفت: ما به عنوان شهروندان اسرائیل می‌خواهیم از موقعیتی که داریم - دسترسی به افرادی در جامعه خودمان که به ارتش پیوسته‌اند - استفاده کنیم تا به آن سیستم نگاهی بیندازیم و ماهیت آنچه را که همه سازمان‌های حقوق بشری نسل‌کشی می‌نامند، روشن کنیم.

این فیلم که تنها فیلم مستند بلند در فهرست رقابتی امسال ونیز است، توسط روزنامه بریتانیایی گاردین و جیمز ویلسون فیلمز و گلیزر تهیه شده است. ویلسون و گلیزر تهیه کننده فیلم اسکاری «منطقه مورد علاقه» بودند.سال پیش فیلم «صدای هند رجب» ساخته کوثر بن هنیه کارگردان تونسی، درباره مرگ یک دختر ۶ ساله که هنگام تلاش برای فرار از شهر غزه همراه خانواده‌اش، با آتش ارتش اسرائیل کشته شد، تشویق ایستاده ۲۲ دقیقه‌ای در ونیز را از آن خود کرده بود. بن هنیه امسال یکی از اعضای هیئت داوران جشنواره ونیز به رهبری مگی جیلنهال است که روز شنبه برندگان جوایز ۲۰۲۶ را انتخاب خواهند کرد.

روایتی از جنگ رمضان که تماشایی شد

هنررهای تجسمی یکی از عرصه‌های هنری در کشورمان است که نسبت به دیگر هنرها امکان بروز و واکنش سریع به اتفاق‌ها را دارد اما عموماً نسبت به دیگر هنرها همچون سینما و موسیقی، مهجور واقع می‌شود. در سلسله گزارش‌های «هنرهای تجسمی در هفته‌ای که گذشت» درصدد هستیم بخشی از روند اتفاقاتی را که در هفته گذشته افتاده‌است، بیان کنیم.

جمعه‌ها روز تعطیل محسوب می‌شود اما در این روز، نمایشگاه‌های هنرهای تجسمی آغاز به کار می‌کنند و هنرمندان تجسمی اعم از نقاشان، مجسمه‌سازان، عکاسان، تصویرسازان، گرافیست‌ها، خوشنویسان و تلاش‌ها و فعالیت‌های اخیر خود را در قالب یک نمایشگاه هنری به منصه ظهور می‌گذارند.

«آدینه» روز نانوشته آغازین بر نمایشگاه‌های هنری است و البته که به دلیل تعطیل بودن اکثر مشاغل، فرصتی مغتنم برای تماشای این آثار هنری توسط اقشار مختلف مردم فراهم می‌شود.

«امید»، «آرامش» و «رفاه» ۳ طرح بیمه‌ای برای هنرمندان

اعضای صندوق اعتباری هنر هم‌زمان با آغاز ثبت نام بیمه تکمیلی می‌توانند با انتخاب یکی از سه طرح «امید»، «آرامش» و «رفاه»، خود و افراد تحت تکفلشان را تحت پوشش خدمات درمان تکمیلی قرار دهند.

در قرارداد بیمه درمان تکمیلی سال ۱۴۰۵-۱۴۰۶، در راستای ارتقای سطح خدمات و پاسخگویی به نیازهای درمانی اعضا، سقف تعهدات در بخش‌های ویزیت و دارو، خدمات دندانپزشکی، عینک و لنز طبی و آمبولانس نسبت به قرارداد سال گذشته ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. همچنین، تعدادی پوشش و خدمت جدید نیز به منظور بهره‌مندی هرچه بیشتر بیمه‌شدگان به تعهدات قرارداد افزوده شده است.

در طرح «امید»، هر عضو از مبلغ سالانه ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، ۷۰۰ هزار تومان پرداخت می کند و ۷۱ درصد حق بیمه یعنی یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان توسط صندوق پرداخت می شود.

در طرح «آرامش»، هر عضو از مبلغ سالانه ۱۸ میلیون تومان، ۸ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان پرداخت می کند و ۵۵ درصد آن یعنی ۹ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان توسط صندوق پرداخت می شود.

در طرح «رفاه» نیز از مبلغ سالانه ۳۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان، ۴۴ درصد آن یعنی ۱۴ میلیون تومان توسط صندوق پرداخت می شود و عضو ۱۷ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان پرداخت می‌کند.

روایت جنگ رمضان به ایستگاه پایانی رسید

در هفته‌ای که گذشت، مراسم اختتامیه مسابقه عکاسی «روایت جنگ رمضان» و افتتاح نمایشگاه آثار برگزیده رویداد با حضور مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران، مهدی قمی شهردار منطقه ۱۱ و جمعی از هنرمندان عکاس در بلدیه تهران برگزار شد.

این جشنواره در اردیبهشت آغاز به کار کرد و بیش از هزار و ۵۰۰ اثر از سراسر کشور به دبیرخانه آن رسید. پنج نفر از افراد حرفه‌ای در حوزه عکاسی، داوری این رویداد را بر عهده داشتند و نزدیک به ۳۰ اثر به‌عنوان آثار برگزیده انتخاب شدند. در جریان این مسابقه،

بیش از ۸۰۰ اثر از سوی عکاسان به دبیرخانه ارسال شد که پس از بررسی و داوری آثار، ۳۱ اثر از ۱۷ عکاس برای حضور در بخش نمایشگاهی انتخاب شدند. این آثار روایت‌های متنوعی از روزهای جنگ، امدادرسانی، حضور گروه‌های جهادی، فعالیت نیروهای مسلح و دستگاه‌های مختلف، عواطف مردم، خانواده‌ها و کودکان و همچنین امید به زندگی را به تصویر کشیده‌اند.

نمایشگاه آثار این مسابقه به مدت یک هفته در بلدیه تهران برپا خواهد بود و در این رویداد سه نفر به‌عنوان برگزیده و ۲ نفر نیز شایسته قدردانی معرفی شدند.

۳۱ اثر برگزیده این مسابقه عکاسی از روز چهارشنبه ۱۸ شهریور به‌مدت یک هفته در بلدیه تهران به نمایش گذاشته شده و میزبان علاقه‌مندان خواهد بود.

فراخوان تجسمی جوانان

فراخوان سی‌وسومین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان ایران با شعار «آب را گل نکنیم» و به دبیری رضوان صادق‌زاده منتشر شد. شعار جشنواره سی و سوم، برگرفته از شعر سهراب سپهری است.

این رویداد در رشته‌های تصویرسازی، خوشنویسی، رسانه‌های هنری جدید، طراحی طراحی‌گرافیک، عکاسی، کاریکاتور، مجسمه‌سازی، نقاشی، نگارگری، هنر سرامیک برگزار می‌شود.

درگذشت جواد مجابی هنرمند نقاش و دلنوشته علی‌اکبر صادقی برای او

در هفته‌ای که گذشت، جواد مجابی در ۸۷ سالگی و پس از یک دوره بیماری درگذشت. مراسم خاکسپاری این شاعر، نقاش و منتقد ادبی و هنری روز چهارشنبه، ۱۸ شهریور در امامزاده طاهر کرج برگزار شد و او در نزدیکی مزار احمد محمود، احمد شاملو، هوشنگ گلشیری، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده در خانه ابدی‌اش آرام گرفت.

علی اکبر صادقی از پیشگامان هنر نوگرای ایران در پی درگذشت زنده‌یاد جواد مجابی در پیامی نوشت:

«سال‌ها نشستی، نگاهم کردی، مرا فهمیدی و درباره من و کارهایم نوشتی! گاهی بهترین حرف‌هایی را که می‌شد درباره آثارم گفتی و گاهی هم غلط‌ترین چیزهایی را که ممکن بود کسی درباره‌شان بنو یسد !

اما آن‌قدر خوب، محکم و شجاعانه می‌نوشتی که من هم مجبور می‌شدم به همان شجاعت، نقدهایت را بپذیرم.

حالا درست وقتی که نوبت من رسیده بود درباره تو بنویسم، خودت رفته‌ای. این اصلاً منصفانه نیست؛ من چیزی بنویسم و تو نباشی که بخوانی، ایراد بگیری و آخر سر مرا قانع کنی که باز هم حق با تو بوده است.

جواد جان، رفتنت شوخی خوبی نبود! و این یکی از معدود دفعاتی است که مطمئنم حق با تو نیست.

نوشته‌هایت می‌مانند، نگاهت می‌ماند و دوستی‌ات برای همیشه با من خواهد ماند.»

جواد مجابی، شاعر، نویسنده، نقاش و منتقد پیشکسوت ادبی و هنری روز چهاردهم شهریور پس از یک دوره بیماری در ۸۷ سالگی در تهران از دنیا رفت.

سهروردی چه کسانی را پدران حکمت اشراق می‌دانست؟

«تبارنامه اشراقیان» نوشته زهرا زارع، پژوهشی تاریخی‌تحلیلی درباره منشأ، سیر تکوین و پشتوانه‌های معنوی حکمت اشراق در اندیشه شهاب‌الدین سهروردی است. این اثر می‌کوشد تبارنامه‌ای را بازسازی کند که سهروردی در آثار خود، به‌ویژه المشارع و المطارحات، برای حکمت اشراقی ترسیم کرده است؛ تبارنامه‌ای که از یک‌سو به میراث ایرانی و خسروانی پیوند می‌خورد و از سوی دیگر از سنت‌های فیثاغوری و افلاطونی تأثیر می‌پذیرد.

این کتاب بر رساله دکتری نویسنده با عنوان «نسب‌نامه و طریقه عرفانی شیخ اشراق» استوار است و در پنجمین دوره جایزه دکتر فتح‌الله مجتبایی نیز مورد توجه و تقدیر قرار گرفته است. زارع کتاب را در سه فصل سامان داده است. در فصل نخست، با عنوان جانب شرقی حکمت، نویسنده به بررسی اساطیر ایران باستان، میراث خسروانی و مفاهیمی مانند فرّه، شهریاری معنوی و نور می‌پردازد. در این بخش، چهره‌هایی چون کیومرث، فریدون و کیخسرو در نسبت با حکمت اشراقی سهروردی تحلیل می‌شوند و سپس پیوند این سنت با عارفانی چون بایزید بسطامی، حلاج، ابوالعباس قصاب آملی و ابوالحسن خرقانی بررسی می‌شود.

فصل دوم با عنوان جانب غربی حکمت به زنجیره‌ای از حکما می‌پردازد که در روایت سهروردی از هرمس آغاز می‌شود و از اسقلبیوس، انباذقلس، فیثاغورس و افلاطون می‌گذرد. در این بخش، تأکید بر آن است که این حکمای یونانی صرفاً اهل برهان نبوده‌اند، بلکه از منظر سهروردی، بهره‌ای از ذوق، شهود و حکمت الهی نیز داشته‌اند.

در فصل سوم با عنوان خمیره ممزوجه، نویسنده نشان می‌دهد که حکمت اشراق حاصل یک امتزاج ساده میان دو سنت ایرانی و یونانی نیست، بلکه باید آن را نوعی حکمت ممزوج دانست؛ نظامی که در آن شهود و برهان، عرفان و فلسفه، و میراث خسروانی و فیثاغوری در هم تنیده‌اند.

مفهوم تبارنامه در این کتاب

مراد از «تبارنامه» در این پژوهش، شجره‌نامه خانوادگی یا تاریخی رایج نیست، بلکه تبارنامه‌ای معنوی و معرفتی است. در این نگاه، سهروردی حکمت را از یک خمیره مقدس ازلی می‌داند که در دو شاخه ادامه یافته است: یکی شاخه شرقی یا خسروانی با محوریت ذوق، شهود، فرّه و حکمت ایران باستان؛ و دیگری شاخه غربی یا فیثاغوری با تأکید بر عقل، برهان، ریاضت و شهود فلسفی .

بر این اساس، سهروردی خود را صرفاً بنیان‌گذار مکتبی تازه معرفی نمی‌کند، بلکه احیاگر و ادامه‌دهنده سنتی کهن می‌داند؛ سنتی که در آن حکمت ایرانی و یونانی دو شاخه از یک اصل معنوی واحدند.

یکی از محورهای مهم کتاب، تحلیل مفهوم فرّه یا خورنه است. نویسنده نشان می‌دهد که سهروردی این مفهوم ایرانی را با مفاهیمی چون نور، سکینه، ولایت و شهریاری روحانی پیوند می‌زند. در این چارچوب، کیخسرو تنها یک پادشاه اسطوره‌ای نیست، بلکه نمونه‌ای از انسان کامل و حکمران آرمانی است؛ شخصیتی که هم ویژگی «پیر» و هم ویژگی «میر» را در خود جمع کرده است.

از همین منظر، ویژگی‌هایی چون دیوستیزی، پاسداری از نظم مینوی و فرّه‌مندی در سنت ایرانی، در عرفان اسلامی به صورت جوانمردی معنوی، ولایت و سلوک باطنی بازخوانی می‌شوند. به این ترتیب، عارفانی مانند بایزید بسطامی و ابوالعباس قصاب آملی در این تبارنامه، ادامه معنوی پهلوانان و شهریاران ایران باستان تلقی می‌شوند؛ نه از حیث تبار تاریخی، بلکه از نظر نقش روحانی و نمادین.

بازسازی شبکه تاریخی و معنویِ حکمت اشراق

اهمیت کتاب در آن است که به‌جای بررسی جداگانه حکمت اشراق، شبکه تاریخی و معنویِ پشت سر آن را بازسازی می‌کند. نویسنده در این مسیر، با برخی خوانش‌های پیشین ـ از جمله تفسیرهای هانری کربن، سیدحسین نصر و جان والبریج ـ وارد گفت‌وگو می‌شود و در مواردی آن‌ها را به نقد می‌کشد؛ از جمله در جایی که به باور او، در برخی تبارنامه‌های پیشین، جایگاه هرمس بیش از اندازه برجسته شده یا برخی چهره‌ها مانند ابوالعباس قصاب آملی نادیده مانده‌اند.

با این حال، باید توجه داشت که تبارنامه سهروردی را نمی‌توان به‌صورت یک تاریخ‌نگاری صرف، خطی و مستند خواند. بخش مهمی از این روایت، تمثیلی، اسطوره‌ای و فلسفی است؛ بنابراین، میان تأثیر تاریخی قابل اثبات و هم‌ترازی معنوی یا نمادین باید تفاوت گذاشت. از این منظر، کنار هم قرار گرفتن نام‌هایی چون هرمس، کیومرث، افلاطون و عارفان مسلمان، لزوماً به معنای وجود رابطه تاریخی مستقیم میان آنان نیست.

در مجموع، «تبارنامه اشراقیان» بیش از آنکه شرحی مقدماتی بر فلسفه سهروردی باشد، تلاشی برای فهم پشتوانه‌های اسطوره‌ای، عرفانی و فلسفی دستگاه اشراق است. این کتاب نشان می‌دهد که سهروردی چگونه حکمت ایرانی و یونانی را در قالب روایتی معنوی و واحد گرد می‌آورد و از دل آن، تصویری تازه از حکمت خسروانی به‌عنوان پایه‌ای ایرانی و شهودی برای فلسفه اشراق ارائه می‌دهد.

«تبارنامه اشراقیان» از حیث موضوع در حوزه‌های فلسفه اسلامی، عرفان، نقد ادبی و تاریخ اندیشه جای می‌گیرد و توسط نشر هرمس در ۵۰۷ صفحه، با قطع رقعی و جلد شومیز منتشر شده است.

۲.۵ میلیون دانش‌آموز در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند

به نقل از وزارت آموزش و پرورش، احمد محمودزاده معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی، در گردهمایی معاونان امور مدارس سما دانشگاه آزاد اسلامی که در سازمان سما برگزار شد، با اشاره به اهمیت تعلیم و تربیت و جایگاه نیروی انسانی در پیشرفت کشور، بر ضرورت توجه همزمان به عدالت آموزشی، ارتقای کیفیت آموزش و پرورش و تقویت نقش مدارس در تربیت نسل آینده تأکید کرد.
وی با گرامیداشت یاد و خاطره امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب، شهدای انقلاب اسلامی، شهدای معلم و دانش‌آموز و به‌ویژه شهدای دانش‌آموز مدرسه غیردولتی شجره طیبه میناب و همچنین شهید دکتر محمدمهدی طهرانچی، اظهار کرد: شرایط کشور شرایطی استثنایی است و همه باید کمک کنیم تا در این مقطع، موفقیت‌ها و پیروزی‌های کشور در عرصه‌های مختلف افزایش پیدا کند.محمودزاده با اشاره به رویکرد دولت چهاردهم در حوزه آموزش و پرورش گفت: دو کلیدواژه اساسی که در نظام تعلیم و تربیت مورد تأکید قرار گرفته، عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش و پرورش است.
وی افزود: ریاست محترم جمهوری نیز بر این دو موضوع تأکید داشته‌اند و در حوزه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، بستری برای توجه جدی‌تر به آموزش و پرورش فراهم شده است؛ بنابراین وظیفه همه ما در نظام تعلیم و تربیت نسبت به این موضوع سنگین‌تر شده است.
معاون وزیر آموزش و پرورش ادامه داد: اگر امروز در حوزه سخت‌افزاری، از جمله فضا، امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی و همچنین در حوزه نرم‌افزاری و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پرورشی با مشکلاتی مواجه هستیم، باید با استفاده از ظرفیت‌های موجود برای رفع این کاستی‌ها اقدام کنیم.
آینده جوامع در آیینه مدارس شکل می‌گیرد
محمودزاده با تأکید بر جایگاه نیروی انسانی در فرآیند توسعه اظهار کرد: در همه دنیا بر تربیت نیروی انسانی به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه تأکید می‌شود و در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز نیروی انسانی به عنوان عامل خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی و یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های کشور مورد توجه قرار گرفته است.
وی افزود: اینکه آینده جوامع را باید در آیینه مدرسه دید، برای همه ما روشن است؛ بنابراین سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش باید یکی از مأموریت‌های کلیدی و اساسی حاکمیت باشد.
رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی تصریح کرد: خوشبختانه در دولت چهاردهم آموزش و پرورش در زمره اولویت‌ها قرار گرفته و موضوع عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش و پرورش با جدیت دنبال می‌شود.
محمودزاده در ادامه با اشاره به در پیش بودن سال تحصیلی جدید و اجرای پروژه مهر گفت: با توجه به آسیب‌هایی که در دوران کرونا و همچنین در سال گذشته در حوزه‌های آموزشی، پرورشی و فرهنگی به دانش‌آموزان وارد شد، تمهیدات و برنامه ریزی ها بر این است که آموزش و پرورش و مدارس به شکل حضوری فعالیت کنند .
محمودزاده افزود: بخشی از فرآیند تربیت در کلاس درس و از طریق ارتباط چهره‌به‌چهره دانش‌آموز با معلم و همچنین تعامل با همسالان شکل می‌گیرد و به همین دلیل حضور دانش‌آموز در مدرسه اهمیت بسیار زیادی دارد.
۲.۵ میلیون دانش‌آموز در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند
رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی با ارائه آماری از وضعیت مدارس غیردولتی گفت: حدود ۲.۵ میلیون دانش‌آموز در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند که حدود یک‌ونیم میلیون نفر از آنها در دوره ابتدایی، حدود ۳۰۰ هزار نفر در متوسطه اول و بخشی نیز در هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش هستند.
وی افزود: در حوزه فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی، نسبت به سال‌های گذشته رشد خوبی داشته‌ایم و این موضوع با رویکردهای موجود در حاکمیت و دولت و همچنین تأکیدات برنامه هفتم توسعه همخوانی دارد.
محمودزاده با اشاره به ضرورت توسعه آموزش‌های مهارتی اظهار کرد: رهبر شهید بارها بر توسعه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، کاردانش و مهارت‌آموزی تأکید کرده‌اند و این موضوع باید از مرحله آموزش تا اشتغال مورد توجه قرار گیرد.
وی افزود: به نظر می‌رسد ظرفیت مدارس سما برای ورود جدی‌تر به این حوزه بسیار بالاست. سما سابقه فعالیت در دانشکده‌های فنی‌وحرفه‌ای و ارائه آموزش‌های منتهی به مدارک کاردانی را داشته و این ظرفیت می‌تواند با تبدیل برخی از این مراکز به هنرستان‌های متناسب با زیست‌بوم استان‌ها مورد استفاده قرار گیرد.
۱۴۵ هزار دانش‌آموز در مدارس سما تحصیل می‌کنند
رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی گفت: در حال حاضر نزدیک به ۸۷۰ مدرسه سما با حدود ۱۴۵ هزار دانش‌آموز فعالیت می‌کنند. این مدارس به دلیل دسترسی به دانشگاه آزاد اسلامی، استادان، منابع علمی و امکانات موجود در دانشگاه، از ظرفیت قابل توجهی برخوردارند.
محمودزاده تصریح کرد: مدرسه آینده باید دارای معلم توانمند، دانش‌آموز فکور، فناوری‌های هوشمند، مدیران توانمند و نظام مدیریتی مبتنی بر کیفیت و شواهد باشد و همه این عناصر باید در چارچوب حکمرانی مدرسه آینده مورد توجه قرار گیرند.
معاون وزیر آموزش و پرورش با اشاره به وضعیت حضور مدارس سما در شاخص‌های علمی و رقابت‌های دانش‌آموزی گفت: در برخی شاخص‌ها، مدارس سما با حضور جدی می‌توانند رتبه‌های قابل توجهی کسب کنند و لازم است این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.وی افزود: در المپیادهای علمی، مدارس غیردولتی عملکرد قابل توجهی داشته‌اند. برای نمونه، در برخی رشته‌های ریاضی و فیزیک، از میان مدال‌آوران طلای کشور، سهم قابل توجهی مربوط به مدارس غیردولتی بوده است.محمودزاده افزود: بخشی از فرآیند تربیت در کلاس درس و از طریق ارتباط چهره‌به‌چهره دانش‌آموز با معلم و همچنین تعامل با همسالان شکل می‌گیرد و به همین دلیل حضور دانش‌آموز در مدرسه اهمیت بسیار زیادی دارد.
سما نیز برای حضور مؤثرتر در این عرصه‌ها برنامه‌ریزی کنند و ظرفیت علمی دانشگاه آزاد اسلامی را در این مسیر به کار بگیرند.
رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی از تشکیل دبیرخانه‌های تخصصی در استان‌ها خبر داد و گفت: برای پیگیری برنامه‌های مختلف، دبیرخانه‌های تخصصی در استان‌ها تشکیل شده است.
دبیرخانه کیفیت آموزشی در تهران، المپیادها و هوش مصنوعی در اصفهان، تربیت بدنی در مازندران و حوزه پرورشی و فرهنگی در خراسان رضوی مستقر شده‌اند.وی افزود: پایش، رصد، سنجش و ارائه برنامه‌ها از طریق این دبیرخانه‌ها دنبال می‌شود و هدف این است که یک حرکت جمعی و منسجم در کشور برای ارتقای کیفیت مدارس شکل بگیرد.
پروژه مهر و ارتقای پایداری فعالیت‌های آموزشی و پرورشی
رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی با تأکید بر لزوم هم‌افزایی همه بخش‌ها برای بسترسازی مناسب در جهت بازگشایی مدارس، تصریح کرد: در آستانه فصل رویش علم و دانش، اجرای «پروژه مهر» به عنوان نقشه راهی برای آغاز یک سال تحصیلی درخشان و پویا در دستور کار قرار دارد. اقتدار علمی کشور، ستون فقرات پیشرفت در عرصه‌های ملی، سیاسی و اقتصادی است؛ از این رو، حفظ پیوستگی فعالیت‌های آموزشی، راهبردی‌ترین اقدام برای تضمین آینده کشور است.
وی در ادامه با تبیین جایگاه راهبردی مدرسه در جامعه، تأکید کرد که مدرسه باید به عنوان پایدارترین نهاد اجتماعی، آخرین مجموعه‌ای باشد که از فعالیت‌های حضوری فاصله می‌گیرد و همواره نخستین کانون برای از سرگیری فعالیت‌ها و پیشران تحرک اجتماعی محسوب شود.
معاون وزیر آموزش و پرورش در بخش دیگری از سخنان خود ، بر اهمیت توسعه برنامه‌های فرهنگی و تربیتی به عنوان اولویتی کلیدی تأکید کرد و با اشاره به ضرورت توجه ویژه به ارزش‌های هویتی و اصیل جامعه، اظهار داشت: مدرسه نه تنها نسبت به فضای فرهنگی جامعه بی‌تفاوت نیست، بلکه باید به عنوان کانون اصلی فرهنگ‌سازی، برنامه‌های ایجابی و آموزشی متناسبی را برای دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها طراحی و اجرا کند.

«کتاب‌محوری» در مدارس جای خود را به «برنامه‌محوری» می‌دهد

به نقل از وزارت آموزش و پرورش، علی لطیفی معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در آیین آغاز اجرای زیست‌بوم جدید برنامه درسی دوره اول ابتدایی در مدارس منتخب اداره‌کل آموزش و پرورش شهر تهران، ضمن قدردانی از همکاری مدیران، معلمان و عوامل اجرایی مدارس مجری در سال گذشته، گفت: تربیت از دشوارترین کارهای بشری است؛ چراکه با انبوهی از ظرافت‌ها، جزئیات و مراقبت‌ها همراه است و کیفیت آن تا حد زیادی به توجه دقیق به همین جزئیات وابسته است.
وی با اشاره به تجربه یک‌سال اجرای آزمایشی زیست‌بوم جدید برنامه درسی افزود: از همه همکارانی که در سال گذشته برای اجرای این برنامه تلاش کردند و دشواری‌های آن را پذیرفتند، قدردانی می‌کنم و امیدوارم با تداوم این همکاری، مسیر پیش‌رو با قوت بیشتری دنبال شود.
رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با بیان اینکه استفاده از واژه «زیست‌بوم» به‌جای «طرح» حامل یک پیام مهم است، گفت: اتفاقی که در حال شکل‌گیری است، صرفاً یک طرح یا برنامه مقطعی نیست؛ بلکه تلاش می‌کنیم زمین بازی آموزش و برنامه درسی را تغییر دهیم.
لطیفی ادامه داد: سال‌ها یکی از مطالبات جدی جامعه از آموزش و پرورش، تغییر و به‌روزرسانی کتاب‌های درسی بوده است؛ اما بررسی‌های فنی نشان داد که بسیاری از انتظاراتی که جامعه و دانش‌آموزان از تحول در آموزش دارند، صرفاً با تغییر کتاب درسی محقق نمی‌شود.
وی افزود: انتظار این است که دانش‌آموز متناسب با نیازهای خود آموزش ببیند، مهارت‌های مورد نیاز زندگی را کسب کند و بتواند آموخته‌های خود را در موقعیت‌های واقعی به کار گیرد. برای رسیدن به چنین هدفی، مدرسه و معلم باید از انعطاف لازم برخوردار باشند تا بتوانند متناسب با شرایط و نیازهای دانش‌آموزان، مسیر یادگیری را طراحی و اجرا کنند.
رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با اشاره به تفاوت‌های اقلیمی، جغرافیایی و فرهنگی مناطق مختلف کشور تصریح کرد: نمی‌توان برای همه مدارس کشور یک نسخه واحد پیچید. جغرافیا در آموزش و نیازهای آموزشی اثرگذار است و ممکن است موضوعی در یک منطقه ضرورت داشته باشد، اما در منطقه‌ای دیگر اهمیت کمتری پیدا کند. بنابراین برنامه درسی باید ظرفیت پاسخگویی به این تفاوت‌ها را داشته باشد.
کتاب دیگر محور همه فعالیت‌های مدرسه نیست
لطیفی با تأکید بر اینکه رویکرد جدید، حرکت از «کتاب‌محوری» به «برنامه‌محوری» است، گفت: در زیست‌بوم جدید، تمرکز اصلی بر برنامه درسی مدرسه‌ای است. کتاب درسی همچنان جایگاه خود را دارد و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وظیفه تأمین آن را بر عهده دارد، اما کتاب دیگر محور همه فعالیت‌های مدرسه نیست؛ بلکه یکی از منابعی است که در خدمت برنامه درسی مدرسه قرار می‌گیرد.
وی ادامه داد: اگر قرار است مدرسه در این زمین بازی جدید، بازیگر موفقی باشد، نباید آن را رها کنیم. مدرسه، معلم و مدیر به پشتیبانی مستمر نیاز دارند و نقش مناطق و ادارات آموزش و پرورش نیز باید متناسب با این تغییر، بازتعریف شود.
رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی خاطرنشان کرد: مناطق باید به این فهم برسند که در هدایت و پشتیبانی برنامه درسی مدرسه، مأموریت مشخصی دارند و باید به توانمندشدن مدرسه و معلم کمک کنند. وقتی مسئله فقط کتاب درسی نیست، طبیعتاً نقش معلم، مدیر مدرسه، راهبران برنامه درسی و سایر عوامل نیز باید در این زمینه بازی جدید دیده شود.
برنامه درسی مدرسه‌ای؛ سکویی برای هم‌افزایی فعالیت‌های تربیتی
لطیفی با اشاره به ظرفیت‌های زیست‌بوم جدید برای ایجاد هماهنگی میان برنامه‌های مختلف آموزش و پرورش اظهار کرد: اگر بتوانیم برنامه درسی مدرسه‌ای را به‌درستی شکل دهیم و آن را در مدرسه مستقر کنیم، این برنامه می‌تواند مانند یک «سکو» یا «پلتفرم» عمل کند و بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های مختلف معاونت‌ها و بخش‌های آموزش و پرورش را در یک چارچوب معنادار گرد هم آورد.
وی افزود: بسیاری از برنامه‌ها و پروژه‌ها در آموزش و پرورش ممکن است به‌صورت پراکنده اجرا شوند؛ اما برنامه درسی مدرسه‌ای می‌تواند این فعالیت‌ها را از حالت پراکندگی خارج و آنها را در یک مسیر تربیتی منسجم قرار دهد.
رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تأکید کرد: بسیاری از نظام‌های آموزشی پیشرو جهان نیز سال‌هاست در چنین مسیری حرکت کرده‌اند و ما نیز برای ارتقای کیفیت نظام آموزشی، ناگزیر از حرکت به سمت مدرسه‌ای هستیم که بر اساس یک برنامه درسی مشخص، متناسب با اقتضائات و نیازهای خود فعالیت می‌کند.
لطیفی در ادامه با اشاره به تجربه کشورهای مختلف در اجرای برنامه‌های تحولی گفت: تاریخ چند دهه اخیر نظام‌های آموزشی، تجربه‌های متعدد و حتی شکست‌های مختلفی در اجرای برنامه‌های تحولی داشته است و یکی از مهم‌ترین درس‌های این تجربه‌ها، اهمیت سال‌های نخست اجرای تحول است.
وی افزود: در سال‌های ابتدایی، باید بر الگوسازی در مدارس منتخب و دارای ظرفیت توسعه تمرکز کنیم و در کنار آن، به‌تدریج نقاط ضعف و موانع اجرای برنامه را شناسایی و برطرف کنیم.

مسکن معلمین در دستور کار شهرداری

علیرضا زاکانی در دیدار با علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه اساس فعالیت‌های مشترک باید معطوف به ساختن آینده‌ای متحول، پیشرفته و رو به رشد و تعالی باشد، اظهار کرد: نقش ممتاز آموزش و پرورش باید به‌درستی درک شود؛ چراکه مهم‌ترین سرمایه کشور، نیروی انسانی آن، به‌ویژه نوجوانان و جوانان هستند.

وی با اشاره به ظرفیت‌های شهرداری تهران برای همکاری با آموزش و پرورش افزود: شهرداری ظرفیت‌های متعددی در اختیار دارد و تلاش ما این است که از این ظرفیت‌ها برای حل مسائل و توسعه خدمات در حوزه آموزش و پرورش استفاده کنیم .

به زودی موضوع «مسکن معلمین» در دستور کار قرار می‌گیرد

زاکانی سپس پروژه مسکن معلمین را یکی از ظرفیت‌های قابل توسعه برای ارائه خدمات به فرهنگیان دانست و گفت: مجموعه شهرداری می‌تواند از ظرفیت‌های موجود برای خدمت‌رسانی گسترده‌تر به معلمان استفاده کند. اخیرا نیز در این رابطه با رئیس جمهور گفت‌وگو داشته‌ایم و به زودی موضوع «مسکن معلمین» در دستور کار قرار خواهد گرفت و تلاش ما بر این است در نزدیک محل خدمت معلمین پروژه مسکن به سرانجام برسد.

استفاده از ظرفیت‌های شهرداری در حوزه آموزش‌های کاربردی و مهارت‌محور برای دانش‌آموزان

وی در ادامه با اشاره به ظرفیت‌های شهرداری در حوزه آموزش‌های کاربردی و مهارت‌محور اظهار کرد: یکی از موضوعات مهم، ایجاد زمینه‌ای برای ارتباط دانش‌آموزان با محیط‌های علمی، فناوری و حرفه‌ای است تا نوجوانان بتوانند با ظرفیت‌های مختلف جامعه آشنا شوند و نگاه وسیع‌تری نسبت به آینده خود پیدا کنند.

شهردار تهران با اشاره به اخذ مجوز پارک علم و فناوری از سوی شهرداری تهران گفت: شهرداری تهران پس از نیروهای مسلح، دومین مجموعه‌ای است که موفق به دریافت مجوز پارک علم و فناوری شده‌است. این ظرفیت می‌تواند زمینه ارتباط بیشتر دانش‌آموزان با علم، فناوری و نوآوری را فراهم کند.

ساماندهی مراکز تربیت معلم در پایتخت

زاکانی همچنین از آمادگی شهرداری برای ساماندهی و تجمیع دانشکده‌های تربیت معلم شهر تهران خبر داد و افزود: یکی از موضوعاتی که می‌توانیم در آن خدمت‌رسانی کنیم، ساماندهی مراکز تربیت معلم است. در این زمینه باید بهترین ظرفیت‌های موجود برای معلمان آینده کشور مورد استفاده قرار گیرد و اخیرا زمینی حدودا ۷ هکتاری در محله پاسداران تهران برای این امر در نظر گرفته شده است.

وی با اشاره به وضعیت برخی مدارس در تهران گفت: برخی از این مراکز نیازمند نوسازی و بهسازی هستند و شهرداری می‌تواند در حد توان خود برای ساماندهی و ارتقای شرایط این مراکز همکاری کند. هم‌چنین ساخت مجتمع‌های آموزشی بزرگ مقیاس و مجهز یکی از کارهایی است که شهرداری تهران می‌تواند با همکاری وزارت آموزش و پرورش پیش ببرد و هم‌اکنون برنامه ریزی برای ساخت ۲۰ مجتمع کرده‌ایم.

کمک برای ساماندهی و نوسازی مدارس استعدادهای درخشان

شهردار تهران همچنین ساماندهی و نوسازی مدارس استعدادهای درخشان را از دیگر حوزه‌های قابل همکاری میان شهرداری و آموزش و پرورش عنوان کرد و گفت: موضوع مدارس تیزهوشان نیازمند دقت و توجه ویژه است و در این حوزه نیز آمادگی داریم ظرفیت‌های شهرداری را در اختیار آموزش و پرورش قرار دهیم.

زاکانی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به دانش‌آموزان مدارس استثنایی و خانواده‌های آنان اظهار کرد: خانواده‌هایی که فرزندانشان در مدارس استثنایی تحصیل می‌کنند، با مسائل و شرایط ویژه‌ای مواجه هستند و باید برای توسعه خدمات به این دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان برنامه‌ریزی جدی‌تری داشته باشیم.

وی تأکید کرد: همه وجود شهرداری تهران در خدمت آموزش و پرورش است و ما خودمان را مدیون این مجموعه می‌دانیم. افتخار ما این است که بتوانیم حتی کوچک‌ترین خدمتی به آموزش و پرورش، معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان ارائه کنیم.

شهردار تهران در پایان گفت: هر آنچه در توان شهرداری باشد و هرجا که نیاز آموزش و پرورش اقتضا کند، آمادگی خدمت و همکاری داریم و امیدواریم بتوانیم در کنار مجموعه آموزش و پرورش، گام‌های مؤثری برای ارتقای این حوزه برداریم.

عصر قانون

روزنامه اجتماعی اقتصادی

www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | **محمد جواد اهویی**
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | **امیررضا شفایی** گرافیست و صفحه‌آرا | **آراد عبداللهی**
روابط عمومی | **جهانگیر توسلی** ناظر هنری | **محمدرضا مهدیانی**
تلفن | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸ ـ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۲۴** آگهی‌ها | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸**
نشانی | **بلوار کشاورز ـ خیابان عبدالله زاده ـ کوچه زیبا ـ پلاک ۴۴ ـ واحد ۵**
چاپ | **صمیم ـ ۴۴۵۸۲۸۱۴**

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON

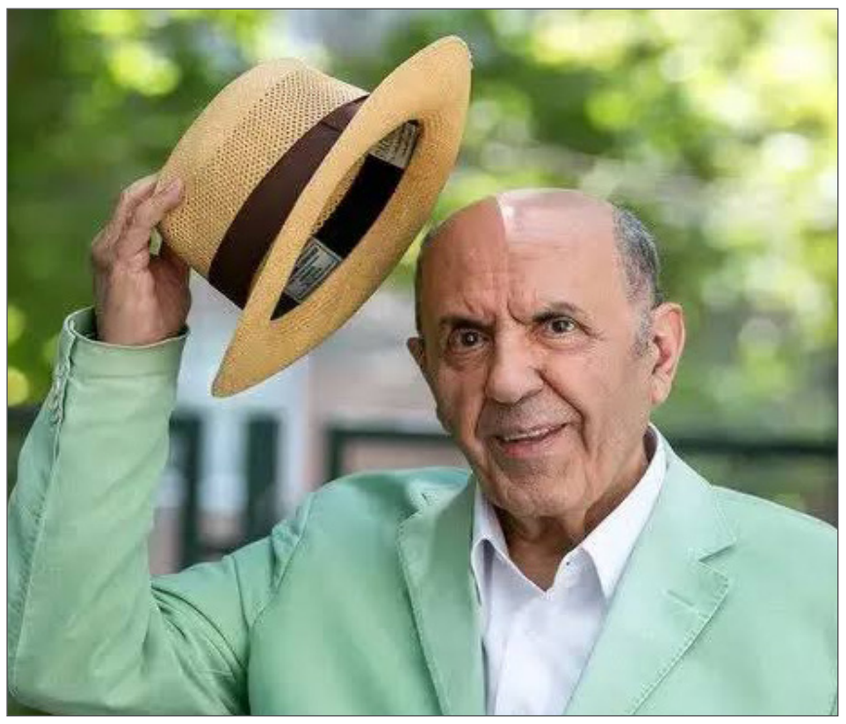

کتاب‌محوری به جای برنامه‌محوری

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از حرکت آموزش و پرورش از کتاب‌محوری به برنامه‌محوری و متناسب‌سازی آموزش با نیازهای دانش‌آموزان و اقتضائات هر مدرسه خبر داد.

۷

دلنوشته نقاش برای مجابی

در هفته‌ای که گذشت، جواد مجابی درگذشت و به خاک سپرده شد، همچنین، نمایشگاه رویداد «روایت جنگ رمضان» نیز در بلدیه تهران افتتاح شد.

۶

استعفای نقوی از فدراسیون ژیمناستیک

وجیهه نقوی پیش از این به عنوان سرپرست فدراسیون ژیمناستیک انتخاب شده بود، اما با توجه به مخالفت فدراسیون جهانی ژیمناستیک با این انتخاب، محمد شروین اسبقیان مسئولیت سرپرستی فدراسیون را بر عهده گرفت. با توجه به اینکه اسبقیان همزمان معاونت وزارت ورزش و جوانان را نیز بر عهده دارد، بخشی از امور مالی فدراسیون به نقوی تفویض اختیار شد تا امور جاری فدراسیون با وقفه مواجه نشود.

با این حال در روزهای اخیر ابهاماتی درباره انتصاب برخی افراد از سوی نقوی به وجود آمده و همین موضوع باعث شده او از سمت خود استعفا دهد، البته هنوز مشخص نیست این استعفا از سوی سرپرست فدراسیون ژیمناستیک مورد موافقت قرار گرفته است یا خیر.

با این حال، نقوی به عنوان سرپرست تیم‌های ملی ژیمناستیک، کاروان این رشته را در بازی‌های آسیایی ناگویا همراهی خواهد کرد.

محمد ایزدفر، سرپرست دبیری فدراسیون ژیمناستیک، درباره خبر استعفای نایب‌رئیس این فدراسیون و برخی اخبار مبنی بر تغییر اختیارات وی اظهار کرد: من در جریان جزئیات این موضوع نیستم اما خانم نقوی استعفای خود را داده است ولی او درباره دلیل استعفای خود توضیحی به من نداده است.

وی افزود: تا جایی که من اطلاع دارم، ایشان چند روزی است که به فدراسیون نمی‌آیند، درباره اینکه آیا استعفای ایشان مورد موافقت قرار گرفته یا خیر، اطلاعی ندارم. استقیان سرپرست فدراسیون است و نقوی به عنوان نایب رئیس فعالیت می کرده و اینکه اختیاراتی داده یا گرفته من اصلا اطلاعی ندارم. اما همه امور به امضای اسبقیان می‌رسید.

سرپرست دبیری فدراسیون ژیمناستیک در پاسخ به این پرسش که آیا اختیارات مالی و اداری نقوی از وی گرفته شده است، گفت: طبق اساسنامه، اختیارات مالی می‌تواند از سوی سرپرست فدراسیون تفویض شود و اختیارات اداری نیز بر عهده دبیر است. درباره اینکه اختیارات مالی از خانم نقوی گرفته شده باشد اطلاعی ندارم و فکر نمی‌کنم چنین اتفاقی افتاده باشد.

ایزدفر درباره حضور نقوی در ناگویا عنوان کرد: نقوی به عنوان سرپرست کاروان ژیمناستیک در ناگویا حضور دارد. اگر او تصمیم به ادامه فعالیت هم نداشته باشند، فرد دیگری را نمی‌توان جایگزین کرد.

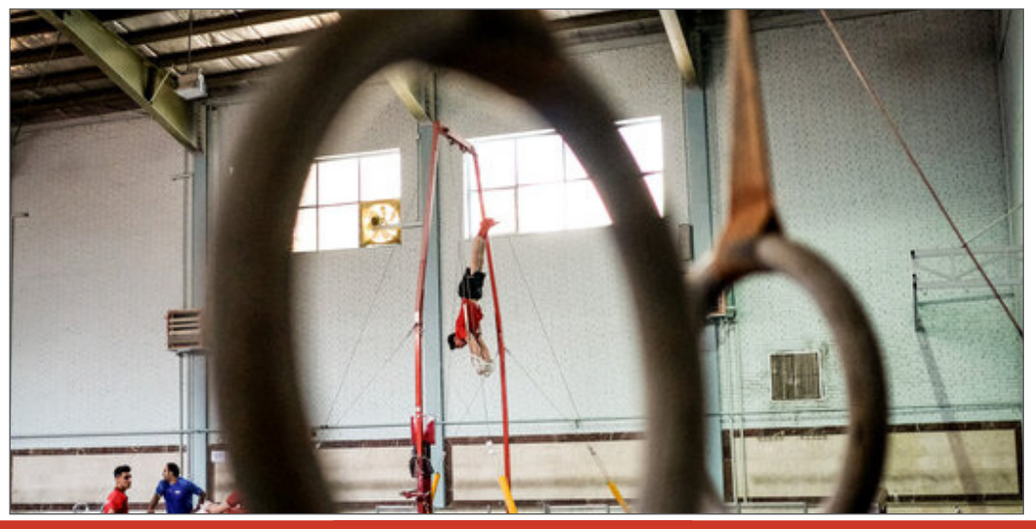

حکم سنگین فیفا علیه یک رئیس فدراسیون

فدراسیون جهانی فوتبال فیفا «بسام عادل جلیل» رئیس پیشین فدراسیون فوتبال مالدیو را به دلیل سواستفاده از کمک‌های مالی اختصاص‌یافته برای مقابله با همه‌گیری کووید ۱۹ و استفاده شخصی از این منابع به صورت مادام‌العمر از هرگونه فعالیت مرتبط با فوتبال محروم کرد.

جلیل پیش از این و در جریان تحقیقات درباره اتهاماتی از جمله پولشویی، اختلاس و فساد، به طور موقت از فعالیت‌های فوتبالی محروم شده بود.

فیفا همچنین او را به پرداخت یک میلیون فرانک سوئیس، معادل ۱.۲۳ میلیون دلار، جریمه کرده است.دسترسی به جلیل برای دریافت اظهارنظر درباره این حکم امکان‌پذیر نبود، اما رسانه‌های محلی گزارش داده‌اند که او در مجموع به ۳۲ سال حبس محکوم شده است. بر اساس این گزارش‌ها، وی بخشی از کمک‌های مالی فیفا را به حساب شخصی خود منتقل کرده و همچنین از منابع اختصاص‌یافته در قالب طرح کمک‌رسانی فیفا برای مقابله با همه‌گیری کووید-۱۹، برای خرید یک آپارتمان استفاده کرده است.رسانه مالدیوی نیز اعلام کرد که جلیل ماه گذشته و بنا بر توصیه کمیته پزشکی، به حبس خانگی منتقل شده است. او پیش از این در ماه مارس نیز به حبس خانگی منتقل شده بود، اما در پی واکنش‌های شدید افکار عمومی بار دیگر به زندان بازگردانده شد.همچنین «محمد آجیل»، مدیر پیشین امور مالی و اداری فدراسیون فوتبال مالدیو، به دلیل تسهیل و پنهان کردن سوءاستفاده از منابع مالی فیفا، استفاده از اسناد جعلی و همکاری نکردن با کمیته مستقل اخلاق این نهاد، به مدت ۱۰ سال از هرگونه فعالیت مرتبط با فوتبال محروم و به پرداخت ۱۰۰ هزار فرانک سوئیس جریمه شد.

جام کوچه فوتبال گل کوچک

به نقل از روابط عمومی فدراسیون ورزش‌های همگانی، فوتبال گل‌کوچک یکی از نوستالژیک‌ترین و مردمی‌ترین نمادهای تحرک و ورزش شهری در فرهنگ عمومی ایران است؛ ورزشی که سال‌ها با دو تیرک کوچک، یک توپ پلاستیکی و شور بی‌پایان بچه‌های محله، کوچه‌های شهرهای کشور را سرشار از زندگی می‌کرد.از همین رو فدراسیون ورزش‌های همگانی در قالب رویداد کوچه، فوتبال گل‌کوچک را در چارچوبی استاندارد، مدرن و هماهنگ به صحنه آورده است. برای اطلاع از جزئیات این رویداد ملی، گفت‌وگویی تفصیلی با علی خلیلی، رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی ترتیب داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.خلیلی رئیس فدراسیون ورزش‌های همگانی در توضیح رویدادی تحت عنوان «جام کوچه» و ایده بازگشت به گل‌کوچک و برگزاری این رویداد در سطح ملی گفت: گل‌کوچک بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت فرهنگی و زیست شهری جامعه ایرانی است. کمتر کسی را پیدا می‌کنید که از این بازی ساده اما پرنشاط خاطره‌ای نداشته باشد. در دوره‌ای که کم‌تحرکی و تمرکز بیش از حد بر فضای مجازی به بزرگ‌ترین چالش سلامت و سبک زندگی شهروندان ما تبدیل شده، رسالت اصلی فدراسیون ورزش‌های همگانی، ساده‌سازی و در دسترس قرار دادن فعالیت بدنی است. رویداد ملی «جام کوچه» دقیقاً با هدف پیوند دادن دوباره نسل جوان با زیست‌بوم محله‌ها و احیای نشاط جمعی طراحی شده است. ما می‌خواهیم ورزش را بدون تشریفات پیچیده و با کمترین هزینه ممکن به دم در خانه‌های مردم، کف کوچه‌ها و فضاهای شهری ببریم

انتظار کسب مدال در بازی‌های آسیایی منطقی نیست

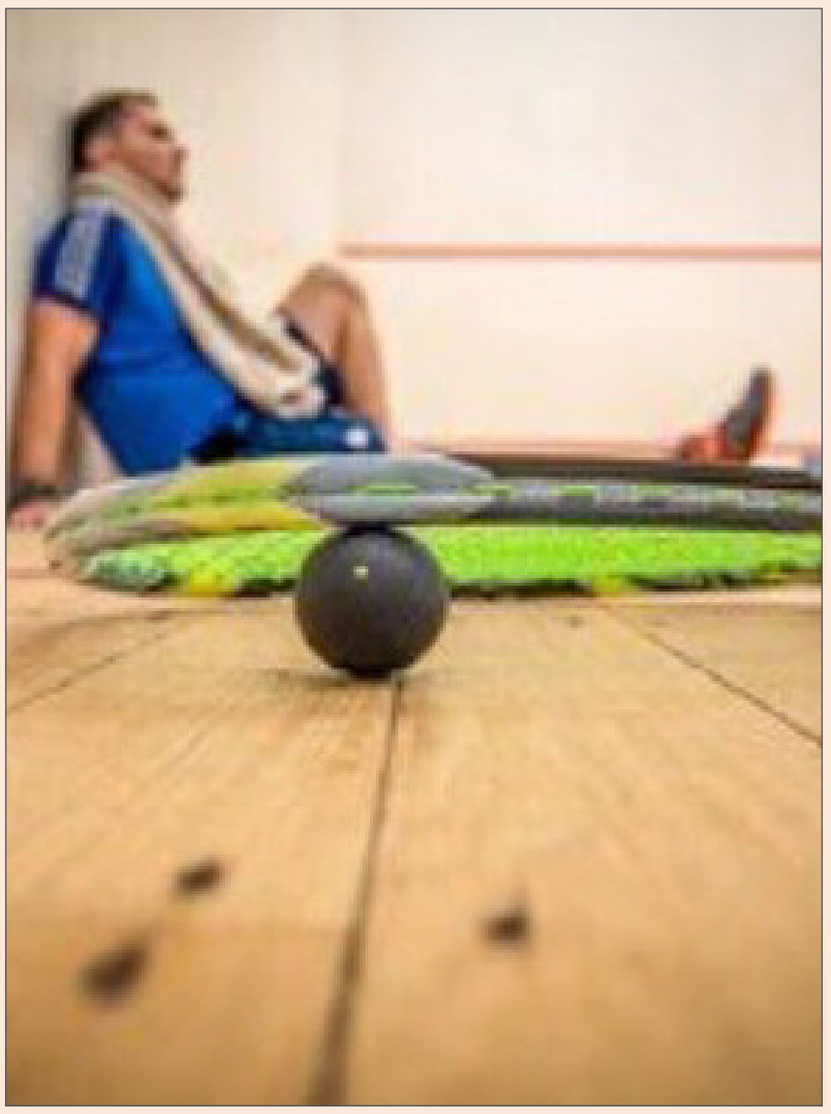

سرمربی تیم ملی اسکواش گفت: مسائل مالی مسیر پیشرفت اسکواش را سخت کرده و انتظار کسب مدال در ناگویا منطقی نیست.

محسن غلام‌نژاد درباره روند آماده‌سازی سپهر اعتمادپور برای حضور در بازی‌های آسیایی ناگویا اظهار کرد: حدود یک ماه و چند روز در بنگلادش اردو داشتیم و در پایان نیز سپهر در مسابقات ۱۲ هزار دلاری این کشور شرکت کرد و با عملکرد خوب خود به مقام سوم رسید.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: پس از آن چند جلسه تمرین در بنگلادش داشتیم و سپس راهی ازبکستان شدیم. سپهر در مسابقات ازبکستان در دور دوم حذف شد و به نظرم فشار زیادی از نظر بدنی روی او وجود داشت. پس از بازگشت نیز تمرینات را در ایران ادامه دادیم.

سرمربی تیم ملی اسکواش مردان درباره قرعه سپهر اعتمادپور در بازی‌های آسیایی ناگویا گفت: هنوز قرعه‌کشی به صورت رسمی اعلام نشده است اما بر اساس اطلاعات غیررسمی و سیدبندی‌های موجود احتمال دارد سپهر در دور نخست با نفر اول تیم ژاپن که فکر می‌کنم در رده حدود ۴۰ جهان قرار دارد روبه‌رو شود.

غلام‌نژاد افزود: اگر این قرعه نهایی شود شروع بسیار سختی خواهیم داشت. مشکل ما این است که سپهر سید ندارد و احتمالاً در دور اول یا دوم با یکی از بازیکنان سید یک تا هشت جدول مواجه خواهد شد.

وی ادامه داد: با این حال نگاه ما این نیست که بیش از حد روی نام حریف تمرکز کنیم. هدفمان این است که سپهر در ناگویا بهترین عملکرد خودش را داشته باشد و هر اتفاقی که در جدول رقم خورد با تمام توان مسابقه دهد.

کسب سهمیه المپیک به رنکینگ وابسته است

سرمربی تیم ملی اسکواش مردان درباره شانس کسب سهمیه المپیک از طریق بازی‌های آسیایی نیز گفت: طبیعتاً انتظار کسب مدال طلا در بازی‌های آسیایی با وجود بازیکنانی که در جمع ۲۰ نفر برتر جهان قرار دارند منطقی نیست. ما باید واقع‌بینانه به شرایط نگاه کنیم.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: یکی از مهم‌ترین موضوعات برای ما رنکینگ جهانی است. سپهر پیش از حضور در دو مسابقه اخیر رنکینگ حدود ۸۰۰ یا ۹۰۰ جهان داشت اما پس از این رقابت‌ها رنکینگ او به عدد ۳۸۵ رسیده است.

غلام‌نژاد تصریح کرد: اگر قرار باشد به کسب سهمیه المپیک فکر کنیم باید رنکینگ سپهر حتماً به زیر ۱۰۰ برسد و حتی بهتر از آن شود. بخشی از این مسیر به خود بازیکن و تمریناتش مربوط است اما بخش مهم دیگر به مسائل مالی ارتباط دارد.

وی افزود: برای ارتقای رنکینگ باید مرتب در مسابقات مختلف شرکت کنیم و امتیاز جمع کنیم. این مسئله هزینه زیادی دارد و امیدواریم با حمایت‌هایی که وعده داده شده بتوانیم برنامه مسابقات خارجی را ادامه دهیم.

اردوی خارجی تأثیر بیشتری دارد

سرمربی تیم ملی اسکواش مردان درباره اهمیت برگزاری اردوهای خارجی گفت: بازیکنان باید به این شرایط عادت کنند که یک یا دو ماه در اردو باشند و سپس در چند مسابقه شرکت کنند. بخشی از این موضوع فنی است و بخش عمده آن نیز به تأمین منابع مالی برمی‌گردد.

غلام‌نژاد ادامه داد: به نظر من اردوی خارجی تأثیر بسیار بیشتری نسبت به اردوی داخلی دارد. شرایط تمرین، حریفان و حتی محیط برگزاری اردو متفاوت است و بازیکن در فضای جدید تمرکز بیشتری پیدا می‌کند.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: وقتی بازیکن در اردوی خارجی حضور دارد از بسیاری از مسائل و حاشیه‌های روزمره فاصله می‌گیرد و تمرکز او فقط روی تمرین و مسابقه قرار می‌گیرد. فکر می‌کنم همین مسئله در عملکرد سپهر در مسابقات ۱۲ هزار دلاری بنگلادش تأثیر داشت.

غلام‌نژاد گفت: این نخستین بار بود که یکی از بازیکنان ما توانست در چنین مسابقه‌ای به مرحله پایانی برسد و مدال کسب کند و سپهر نیز واقعاً بازی‌های خوبی ارائه داد. امیدوارم بتوانیم برای مسابقات آینده نیز چنین اردوهایی را تکرار کنیم.

قهرمانی آسیا و ایندورگیمز در پیش است

سرمربی تیم ملی اسکواش مردان درباره برنامه‌های تیم ملی در نیمه دوم سال نیز اظهار کرد: حدود یک ماه پس از بازی‌های آسیایی ناگویا مسابقات قهرمانی آسیا در بخش تیمی را در پاکستان پیش رو داریم و تقریباً یک ماه بعد از ناگویا راهی این کشور خواهیم شد.

وی افزود: در آبان و آذرماه نیز مسابقات داخل سالن یا ایندورگیمز برگزار می‌شود که در بخش انفرادی در آن شرکت خواهیم کرد. این مسابقات نیز یکی از رویدادهای مهم ما در نیمه دوم سال است.

غلام‌نژاد درباره نفرات اعزامی به مسابقات قهرمانی آسیا گفت: سپهر اعتمادپور از قبل برای حضور در این رقابت‌ها انتخاب شده بود و به همین دلیل در مسابقات انتخابی شرکت نکرد چرا که زمان برگزاری انتخابی با اعزام او به ناگویا همزمان بود.

وی در پایان خاطرنشان کرد: در مسابقات انتخابی سه بازیکن دیگر را انتخاب کردیم و در مجموع چهار ورزشکار شامل سپهر اعتمادپور و سه بازیکن منتخب راهی مسابقات قهرمانی آسیای پاکستان خواهند شد.